

حضور نظامی آمریکا در خلیج فارس، که تهدید دائمی علیه انقلاب و جمهوری اسلامی ایران است، باید پایان یابد

نامه

مردم

ارگان مرکزی حزب توده ایران

دوره هفتم، سال دوم، شماره ۳۹۶
 سهشنبه ۲۵ آذر ۱۳۵۹، مطابق با
 ۸ صفر ۱۴۰۱، بها: ۱۵ ریال

وزارت امور خارجه جمهوری اسلامی ایران، با انتشار اطلاعیه‌ای، مواضع کلی دولت را نسبت به وضع حساسی که در نتیجه جنگ تحمیلی رژیم صدام تکریتی به ایران، در منطقه خلیج فارس بوجود آمده است، روشن کرد. در بند یکم این اطلاعیه آمده است:

«جنگی که بر ایران تحمیل شده است، توسط رژیم صدام طراحی شده، بلکه او صرفاً وسیله‌ای برای اجزایش بوده است و پشت سر او دشمنان انقلاب اسلامی بوده‌اند که میخواستند این حکومت مردمی این الگوی انقلاب اسلامی را از میان بردارند.»

و چنانکه میدانیم، فردای هجوم خائنه رژیم جنایتکار صدام به ایران، رهبر انقلاب و بنیانگذار جمهوری اسلامی ایران، امام خمینی (همچنین دیگر مقامات عالی‌رتبه مملکت) بصراحت «این دشمنان انقلاب اسلامی» را، که

پشت سر رژیم صدام ایستاده‌اند، معین کردند و گفتند: «صدام حسین به تحریک آمریکا به ایران حمله کرده است» و در حقیقت، «ایران در حال جنگ است با آمریکا».

وزارت امور خارجه، ضمن اشاره به اینکه دشمنان ایران «تقه‌هایشان برصلا شده و تصورات واهی‌شان صورت تحقق پیدا نکرده و رژیم صدام قربانی این تقه شده و در سرایشی سقوط افتاده‌است»، اظهار «یقین» کرده است که این دشمنان «در اندیشه تقه دیگری، تا از راهی دیگر ضربه خویشتن را وارد کنند.»

مسئله این هشدار بجا و موقوع است که بارها از سوی نیروهای راستین انقلاب و هواداران بیدار و پیگیر جمهوری اسلامی ایران بیان گردیده و اینک از جانب وزارت امور خارجه نیز تأیید گردیده است.

وزارت امور خارجه در بند دوم از اطلاعیه رسمی خود، با

«سیاست‌گذاری» از «پشتیبانی یدرغ و خالصانه ملت در این جنگ تحمیلی» و اظهار تاسف از «ادامه جنگ و ریخته شدن خون افراد بیگناه و خرابی هر دو کشور»، تصمیم قاطع دولت جمهوری اسلامی ایران را درباره شرایط پایان یافتن جنگ بار دیگر تأیید کرده است:

«امادام که رژیم متجاوز از سرزمینهای ما بدون هیچگونه قید و شرطی بیرون نرود، طبیعی است که این جنگ تحمیلی همچنان ادامه خواهد یافت.»

ضمناً وزارت خارجه جمهوری اسلامی ایران به دلخواه توجه داده است که سکوت در مقابل هجوم غیرانسانی رژیم صدام جایز نیست، چون ممکن است به گسترش دامنه جنگ در منطقه و تشدید وخامت اوضاع بیانجامد. در بند سوم اطلاعیه خود، وزارت امور خارجه جمهوری اسلامی ایران، ضمن اینکه «تجمع ناوگانهای جنگی ابرقدرت

آمریکا و دول صاحب قدرت را در نزدیکی منطقه شدیداً محکوم کرده است، بار دیگر تأکید می‌کند: «همانگونه که در گذشته اعلام داشته‌ایم، صرف نظر از اعمال حق قانونی ایران در رابطه با دولت یا دول متخاصم منطقه، تا آنجا که به ایران مربوط است، باز نگهداشتن تنگه هرمز را تضمین میکنیم و باقتضای اصول انقلابی و اسلامی خویش مخالفت خود را با حضور هرگونه پایگاه نظامی خارجی وابسته به ابرقدرت آمریکا یا هر قدرت دیگر در خلیج فارس را اعلام میکنیم و معتقدیم که این مخالفت نهایتاً منافع مردم منطقه را حمایت خواهد کرد.»

وزارت امور خارجه در بند چهارم از اطلاعیه منتشره، عدم تجاوز به آب و خاک دیگران و احترام به تمامیت ارضی دیگر کشورها، از جمله کشورهای منطقه

مواضع دشمن در اطراف جاده آبادان ماهشهر بمباران شد

جنایتکاران صدامی، مناطق مسکونی اهواز و دزفول را با توپخانه مورد حمله قرار دادند

نبرد دلاوران انقلاب با مزدوران صدام در جبهه‌های نبرد، طی دوازده روز گذشته نیز ادامه یافت و ضربات دیگری بر دشمن جنایتکار وارد آمد.

خبرنگار خبرگزاری پارس از جبهه خوزین شهر گزارش داد: شدیدترین آتش توپخانه در یکی از جبهه‌های شرقی خوزین شهر، در عصر روز شنبه تا با بمباران یکشنبه بین مدافعان انقلاب و متجاوزین صدامی جریان داشت. گزارش خبرگزاری پارس از این جبهه یقیه در صفحه ۷

در صفحات بعد

تفسیرهای سیاسی

صفحه ۳

محا کمه گروه چهار نفره در چین

نمایانگر ادامه مبارزه بغاظر قدرت در درون رهبری کنونی چین

صفحه ۶

بهشت ضیاء الحق

صفحه ۶

کارگران و وزارت کار و امور اجتماعی

صفحه ۴

دهقانان آماده‌اند تا تجاوز صدام آمریکائی را سرکوب کنند

صفحه ۵

روش جدید سرمایه‌داران بزرگ برای مقابله با انقلاب

سرمایه‌داران بزرگ و وابسته، که از تعمیق انقلاب و اقدامات خلقی مسئولین جمهوری اسلامی ایران بوحشت افتاده‌اند، روش جدیدی برای مقابله با انقلاب در پیش گرفته‌اند.

بر اساس این روش، عوامل آنها در نقاط مختلف به تبلیغات علیه دولت و اقدامات آن در زمینه اقتصادی دست می‌زنند و می‌کوشند با وارونه جلوه دادن ماهیت اعمال مسئولین در مردم ایجاد شک و تردید کنند.

اخیراً یکی از این افراد در خیابان ۱۶ تری امیری، مردم را در خود جمع کرده و به دروغ پراکنی مشغول بود. او، که برای حفظ ظاهر قدرتی هم داشت و دائماً تسبیح می‌گرداند، به مردم می‌گفت: مملکت ما را کمونیستی کرده‌اند و به دروغ می‌گویند که اسلامی است!

پیام کمیته مرکزی حزب توده ایران به کمیته مرکزی حزب کمونیست کوبا

بمناسبت تشکیل دومین کنگره حزب کمونیست کوبا

آزادی‌بخش بسیاری از خلق‌های جهان را، بویژه در آمریکای لاتین، الهام بخشید.

مردم و زحمتکشان کوبا، در پرتو رهبری حزب کمونیست کوبا، که در راس آن رفیق قیبال کاسترو قرار دارد، به دستاوردهای چشمگیری در همه کسره‌های زندگی اجتماعی دست یافته‌اند. این دستاوردها بویژه از آنجهت شگرف و ستایش‌انگیز است، که علیرغم سیسهای تبه‌کارانه و پایدار امپریالیسم آمریکا علیه کوبا، انقلابی در پهنه‌های گسترده سیاسی، اقتصادی، نظامی و تبلیغاتی، حاصل شده است. نیروهای دمکراتیک و مترقی جهان برای کمک و همبستگی

مواضع دشمن در اطراف جاده آبادان ماهشهر بمباران شد

جنایتکاران صدامی، مناطق مسکونی اهواز و دزفول را با توپخانه مورد حمله قرار دادند

نبرد دلاوران انقلاب با مزدوران صدام در جبهه‌های نبرد، طی دوازده روز گذشته نیز ادامه یافت و ضربات دیگری بر دشمن جنایتکار وارد آمد.

خبرنگار خبرگزاری پارس از جبهه خوزین شهر گزارش داد: شدیدترین آتش توپخانه در یکی از جبهه‌های شرقی خوزین شهر، در عصر روز شنبه تا با بمباران یکشنبه بین مدافعان انقلاب و متجاوزین صدامی جریان داشت. گزارش خبرگزاری پارس از این جبهه یقیه در صفحه ۷

مدیرکل دفتر تحقیقات و برنامه‌ریزی درسی: دوره تحصیلات عمومی، اجباری و رایگان میشود

آقای محمد کاظم نائینی، مدیرکل دفتر تحقیقات و برنامه‌ریزی درسی، طی یک گفتگو با روزنامه اطلاعات، پیرامون نحوه تغییر نظام آموزشی، توضیحاتی داد. او در مورد نظام آموزشی جدید گفت: «در نظام آموزشی جدید دو دوره قبل از دانشگاه بیشتر نخواهیم داشت: یکی دوره تحصیلات عمومی هشت که برای عموم مردم لازم و ضروری و رایگان است و حتی جزء فرایض دینی عموم مردم است و طبق قانون اساسی، دولت موظف است که تمام امکانات را در این زمینه برای مردم فراهم کند.»

در این دوره عمومی ما باید فرد را برای زندگی کردن در یک جامعه اسلامی آماده کنیم، صرف نظر از شغلی که بعداً ممکن است انتخاب بکند. مثلاً باید خواندن و نوشتن را باندازه فهم و درک‌پذیرانه به قوانین مملکتی آشنا شود، بداند چه کسی را باید انتخاب بکند و انتخاب شونده دارای چه شرایطی باشد، ریاضیات را باندازه وضع حوایج زندگی باید بیاموزد. همه کسانی که بعد از اجرای طرح نظام آموزشی جدید در ایران متولد میشوند، باید این دوره را بسندون استثناء بگذرانند.

مدت این دوره هشت سال تعیین شده که میتوانیم آنرا دوره عمومی یا هدایت و ارشاد بنامیم. بطور کلی و خلاصه این دوره برای آشنا کردن مردم به آنچه که در جامعه به آن نیاز دارند، می‌باشد. واضح است که ما نمیتوانیم ایندوره را از مقطع اول راهنمایی شروع کنیم، بلکه باید آنرا از اول شروع کرد و سن در نظر گرفته شده برای ورود باین دوره از شش سالگی می‌باشد.

نامه «مردم» - ما ضمن تأیید این تصمیم صحیح و بیجا، در مورد اظهارات آقای کاظم نائینی، نظر خود را بعداً بتفصیل منتشر خواهیم ساخت.

روشن جدید سرمایه‌داران بزرگ برای مقابله با انقلاب

سرمایه‌داران بزرگ و وابسته، که از تعمیق انقلاب و اقدامات خلقی مسئولین جمهوری اسلامی ایران بوحشت افتاده‌اند، روش جدیدی برای مقابله با انقلاب در پیش گرفته‌اند.

بر اساس این روش، عوامل آنها در نقاط مختلف به تبلیغات علیه دولت و اقدامات آن در زمینه اقتصادی دست می‌زنند و می‌کوشند با وارونه جلوه دادن ماهیت اعمال مسئولین در مردم ایجاد شک و تردید کنند.

اخیراً یکی از این افراد در خیابان ۱۶ تری امیری، مردم را در خود جمع کرده و به دروغ پراکنی مشغول بود. او، که برای حفظ ظاهر قدرتی هم داشت و دائماً تسبیح می‌گرداند، به مردم می‌گفت: مملکت ما را کمونیستی کرده‌اند و به دروغ می‌گویند که اسلامی است!

حجت الاسلام موسوی خوئینی‌ها: بعنوان شاخص و بعنوان يك میزان، امریکا همیشه دشمن است

خارجی دولت ما در زمان شاه در روابط خارجی به سمتی میرفت که دقیقاً بعد از پیروزی انقلاب به آن سمت نمی‌رود. وقتی که ما بوضعیت وزارت خارجه مان نگاه میکنیم، میبینیم که در زمان شاه اصولاً سیاست خارجی ایران در وزارت خارجه و در دولت ایران تعیین نمیشد. سیاست خارجی ما در آمریکا تعیین میشده. ایران درست در جاذبه آمریکا قرار گرفته بود و به هر سمتی که آمریکا حرکت میکرد ایران هم میبایست به آن سمت

حجت الاسلام موسوی خوئینی‌ها: بعنوان شاخص و بعنوان يك میزان، امریکا همیشه دشمن است

خارجی نداریم، ما باید درسیاست خارجی، چه وزارت خارجه و چه چه وزیر امور خارجه، بدانند که بعنوان شاخص و بعنوان يك میزان، امریکا همیشه دشمن است. ما همیشه در رابطه خارجی خود با آمریکا بعنوان يك دشمن نگاه میکنیم. «رابطه ما با امریکا رابطه ما و يك دشمن قدرتمند اصلی است» مسئله دیگر مسئله اسرائیل است. درسیاست خارجی ما اسرائیل بعنوان يك دولت غاصب محسوب میشود. ما معتقدیم که این دولت غاصب باید از بین برود و آبنانی که در فلسطین و اشغالی، که هم‌اکنون بنام اسرائیل خوانده میشود، هم از مسلمانان، یهودیان، مسیحیان و آنها که اهل آنجا هستند و زندگی میکنند، تشکیل یک دولت بدهند، به هر شکلی که خودشان میخواهند، اما دولت اسرائیل یقیه در صفحه ۲

برای مبارزه با امپریالیسم آمریکا، دشمن اصلی مردم ایران، متحد شویم!

اعلامیه مشترک سازمان‌های دانشجویی کشورهای منطقه به حمایت از انقلاب شکوهمند مردم ایران: دانشجویان جهان تجاوز رژیم ضد مردمی صدام و توطئه‌های امپریالیسم آمریکا علیه جمهوری اسلامی ایران را محکوم میکنند

نمایندگان سازمان‌های دانشجویی منطقه، که برای شرکت در سیزدهمین کنفرانس اتحادیه بین‌المللی دانشجویان به برلین پایتخت جمهوری دموکراتیک آلمان سفر کرده بودند، در یک گردهمایی که به دعوت هیئت نمایندگی سازمان جوانان توده ایران برگزار شد، شرکت کردند و با امضای اعلامیه‌ای، توطئه‌های امپریالیسم جهانی، سرکردگی امپریالیسم آمریکا، علیه جمهوری اسلامی ایران - از جمله تجاوز رژیم ضد مردمی صدام - را قائلانه محکوم کردند. متن این اعلامیه چنین است:

بیانیه دربارهٔ تشدید تجاوزات امپریالیسم در منطقه و جنگ تجاوزکارانه رژیم عراق علیه جمهوری اسلامی ایران:

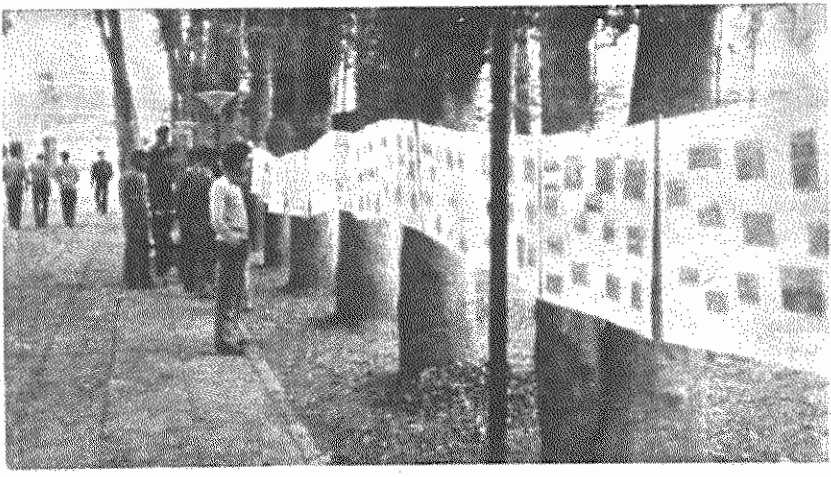
ما امضاءکنندگان زیر از:

- انقلاب ضد امپریالیسم، دموکراتیک و خلقی مردم ایران به رهبری امام خمینی،
- مبارزه عادلانه مردم ایران بظهور دفاع و صیانت از انقلاب ضد امپریالیسم و خلقی ایران و دستاوردهای آن،
- مبارزه عادلانه مردم ایران علیه تجاوز رژیم صدام، که توسط امپریالیسم طرح‌ریزی شده،
- انقلاب ضد امپریالیسم و ضد دیکتاتوری مردم عراق،
- تصرف باصطلاح سفارت ایالات متحده آمریکا در ایران، که در واقع لانه جاسوسی و توطئه علیه انقلاب ایران و کشور-های شرقی همسایه، نظیر اتحاد شوروی و افغانستان بود،

حمایت می‌کنیم،

- ما:
- تجاوز رژیم دیکتاتوری و ضد خلقی عراق، که توسط امپریالیسم آمریکا طراحی شده و هدف آن درهم شکستن انقلاب رهایی‌بخش مردم ایران و سرنگونی جمهوری اسلامی ایران است،
- تفریق، تعقیب، اعدام و ترور رزمندگان انقلابی کمونیست و مسلمان توسط رژیم دیکتاتوری صدام حسین،
- حمایت امپریالیسم و رژیم‌های ارتجاعی عرب نظیر رژیم عربستان سعودی، اردن، مصر، شیخ‌نشین‌های خلیج فارس و جمهوری عربی یمن (یمن شمالی) از رژیم صدام،
- سیاست امپریالیسم آمریکا و متحدین آن به منظور ادامه

نمایشگاهی از مبارزات ضد امپریالیستی مردم ایران در شهرستان رشت



از طرف اعضاء و هواداران حزب توده ایران در شهرستان رشت، نمایشگاهی از مبارزات مردم ایران علیه امپریالیسم آمریکا در باغ محشم این شهرستان برپا شد. این نمایشگاه که از ۶ آذرماه ۵۹ دایر شده بود، دربرگیرنده طرح‌هایی از مبارزات ضد امپریالیستی مردم ایران، عکس‌هایی از دل‌زوری‌های پاسداران و سربازان میهن ما در جبهه‌های جنگ تحمیلی و همچنین تصالهایی از رهبر انقلاب بود. این نمایشگاه در مدت‌برپایی خود، با استقبال پرشور مردم این شهرستان روبرو شد.

کمک‌های سازمان حزب توده ایران در سمنان

سازمان حزب توده ایران در سمنان و همچنین سازمان جوانان توده ایران در سمنان میسران کمک‌های نقدی و جنسی خود را به جنگ‌زدگان کشور اعلام کردند. این دو سازمان تاکنون مجموعاً حدود ۴۰ هزار ریال پول نقد و مقادیری قند و شکر، نان، سیب‌زمینی، کشمش، کسبوت، برنج، دارو، لباس و مقادیری پتو به جنگ‌زدگان کشور اهدا کرده‌اند.

رویدادهای ایران

تعقیب و بازرسی هواداران حزب توده ایران در خرم‌آباد

۲۴ تن از هواداران حزب توده ایران در خرم‌آباد، هنگام خروج از خانه، توسط عناصر مشکوک بدون مجوز قانونی، مورد بازرسی بدنی قرار گرفتند. این منزل تعقیب کرده بودند. ما ضمن اعتراض به این عمل غیرقانونی، از مقامات مسئول می‌خواهیم که مانع فعالیت این عناصر مشکوک شوند.

محل فروش نشریات حزب توده ایران در مرودشت توسط عوامل ضد انقلاب به آتش کشیده شد

این حادثه تأکید کرد که عاملین این حمله تحت تعقیب قانونی قرار خواهند گرفت. ما نیز ضمن محکوم کردن این اقدام ضد انقلابی، توجه مقامات مسئول را به نیات و اهداف عاملین این حوادث جلب می‌کنیم و خواستار دستگیری و مجازات عناصر ضد انقلابی هستیم.

خبرنگار نامه مردم در تبریز را آزاد کنید!

تبریز، با تمام داشتن لیست افراد ساواکی نزد خود، بازداشت و زندانی شده است. رفقا فرود آمدن ابراهیمی و روح‌الله تقی‌ری از هواداران حزب توده ایران در اردبیل در تاریخ ۱۱ آذر ۵۹ به این علت که کافذ

بعنوان شاخص...

دولت غاصب است. بنابراین در سیاست خارجی، ایران باید در جهت بسیج همه مسلمانان دنیا به سمت ازین بردن این دولت غاصب باشد و در درون آن کشورهای می‌ایستند، در سیاست خارجی باید از دوستان ما باشند و با آنها رابطه‌مان باید نزدیک باشد. کسایکه از کشورهای اسلامی و عربی به‌نحوی و رابطه دوستی با آن کشور دارند، یا حاضر نیستند برای ازین بردن این دولت

پیام کمیته مرکزی حزب توده ایران

بقیه از صفحه ۱
«دشمن اصلی» خلق ماست. امپریالیسم آمریکا، پس از آنکه این وسیله‌های انقلاب - براندازانه‌اش با شکست روبرو شد، جنگ تحمیلی داروخته صدام حسین را با میهن انقلابی ما برآورد. تا به خیال خود شرائط بازگشت‌یادای خویش را به ایران فراهم آورد و سلطه چپاولگرانه خود را به خلق ما از سرگیرد. ولی اینبار نیز عزم راسخ و فداکاری‌تیرمانانه خلق ما این نقشه شیطان را با ناکامی منتظرانه مواجه ساخت. توده‌ایها، که از آغاز انقلاب دوش بردش دیگر هم‌میهنان خود - مبارزان مسلمان هوادار امام خمینی و دموکرات‌های انقلاب و دیگر قشرهای خلقی - در راه پیشبرد هدف‌های ضد امپریالیستی و خلقی انقلاب ۱۳۵۷ رزمیدند، اینبار نیز در صفوف پیشاپیش جبهه جنگ، با ایثار خون خود، بدفاع از انقلاب ایران و جمهوری اسلامی ایران مشغولند. انقلاب ایران اینک، از نظر کیفی، در آستانه مرحله‌ای نوین قرار دارد. مهم‌ترین ویژگی این مرحله نبرد طبقاتی حادی است که میان نیروهای خلق و پیرو زرفتن انقلاب از یکسو و بورژوازی لیبرال و ضد انقلاب از سوی دیگر جریان دارد. بورژوازی لیبرال، که، باقتضای سرشت

کمیته مرکزی حزب کمونیست کوبا

رفقای گرامی!
با نهایت سیاست‌گزاری از دعوت از حزب توده ایران برای گسیل نمایندگانی برای شرکت در کنفرانس حزب کمونیست کوبا، بعلت محدودیت‌هایی که در نتیجه جنگ تجاوزی و تحمیلی داروخته صدام حسین علیه جمهوری اسلامی ایران، در زمینه خروج از کشور پدید آمده‌است، متأسفانه ایفای این امر تا این لحظه ممکن نیست. از این جهت مجبوریم که به پیام شادباشی به کنگره شما اکتفا ورزیم. با درودهای رقیفانه
کمیته مرکزی حزب توده ایران
تهران: ۲۳ آذر ۱۳۵۹

حضور نظامی...

بقیه از صفحه ۱
خلیج فارس و کشورهای همجوار، را از پایه‌های «انقلاب اسلامی ملت ایران» شمرده و متقابلاً رعایت سادقانه آنرا از دیگران خواستار شده است. و بالاخره بند پنجم اعلامیه وزارت امور خارجه جمهوری اسلامی ایران «گردهمایی‌های مشکوک و دست‌پنجه‌بازی را که هدفی جز توطئه و ایجاد ناآرامی بیشتر در منطقه خلیج فارس نندارند، محکوم» کرده متذکر می‌شود که، شایسته است آنها «تمامی کوشش خود را بپسرای بازسازی گرفتن سرزمین‌های غصب شده توسط اسرائیل متجاوز و قدس مقدس بکاز گیرند، که در ای‌صورت خواهند دید ایران انقلابی در پیشاپیش همگان خواهد بود».

این تذکر وزارت امور خارجه جمهوری اسلامی ایران، با در نظر گرفتن گردهمایی‌های نظیر کنفرانس سران مرتجع رژیم‌های وابسته کشورهای عربی، که چندین پیش در پایتخت اردن برگزار شد - و با شکست‌مواجه گردید - و تلاش آمریکا و دست‌نشاندها گانش برای ایجاد بلوک‌بندی نظامی جدید (نظیر ستو) در منطقه، اهمیت ویژه‌ای کسب میکند.

وضع بسیار حساس منطقه خلیج فارس و توطئه‌های گسترده و خطرناک امپریالیسم آمریکا علیه انقلاب و جمهوری اسلامی ایران، که در حقیقت علیه منافع واقعی همه خلق‌های منطقه است و امنیت و صلح را در منطقه و در جهان تهدید میکند، دقت همتا دولتهای جامعه کشورهای سوسیالیستی، بلکه توجه کشورهای غیرمتعمد، صلح‌دوست و مترقی، از کوبا تا هند، را بخود جلب کرده است. برخلاف آنچه که بعضیها قلمداد میکنند، و بویژه در نتیجه

برای مقابله با تجاوز نظامی امریکا، تمام خلق باید از نظر نظامی مجهز شود

یکی از بزرگ ترین ثمرات انقلاب ایران، جلب توجه های وسیع مردم به سیاست است. این خلعت تمام انقلاب های مردمی است. آزادی گسترده ای که پس از سرنگونی رژیم شاه ملعون به دست آمد، زمینه را برای حضور مردم در صحنه سیاست فراهم ساخت. انقلاب به نیروی خلق پیروز شده بود و رهبری انقلاب، که بر توده ها متکی بود، نه تنها نفی در دور نگاه داشتن مردم از سیاست نداشت، بلکه برعکس، حضور مردم در صحنه را به درستی ضامن تداوم انقلاب می دانست و به همین دلیل می گویند "سیاسی بودن توده ها را با تمام ابعاد آن نگاه دارد. مبارزه بین نیروهای که انقلاب را خاتمه یافته می دانستند و می کشیدند توده ها و نهادهای انقلابی آن ها را از صحنه سیاسی خارج کنند و دوران "سازندگی" را، با تکیه به دستگاه دولتی سابق، آغاز نمایند و نیروهای که هوادار "انقلابی بزرگ تر از انقلاب اول" به پشتیبانی مردم بودند، به پیروزی انقلابیون پی گیر خاتمه یافت مردم در صحنه سیاست باقی ماندند. امروز می توان گفت که خلق ایران یکی از "سیاسی ترین خلق های جهان است". جای تعجب نیست که در چنین جوی و در میان چنین مردمی، تفسیرها و تحلیل های سیاسی، از جمله در مسائل بین المللی، در مطبوعات، رادیو و تلویزیون تا این حد رواج یافته باشد.

منبع اصلی بسیاری از تفسیرها مطبوعات غربی است

اما متأسفانه در این رواج، بین کمیت و کیفیت ناهماهنگی عجیبی حکم فرماست. دلیل کیفیت نازل بسیاری از تفسیرها و تحلیل های سیاسی، قبل از هر چیز نازل بودن سطح دانش سیاسی در ایران شاهنشاهی از یک سو و وابستگی فرهنگی ما به غرب از سوی دیگر است. نظام شاهنشاهی اکثر روشنفکران را در چارچوب فرهنگ سیاسی غرب محدود کرده، در دنیای یک بعدی سرمایه داری محصور ساخته و استقلال اندیشه را از آنان سلب نموده بود. دانش سیاسی در ایران شاهنشاهی و سپس - مانده ترین رشته علوم بود. اکثر دانشجویانی که در رشته های علوم سیاسی، اقتصادی، روزنامه نگاری، جامعه شناسی و غیره چه در ایران و چه در اروپای غربی و آمریکا تحصیل می کردند، اطلاعات، دریافت ها و داوری های شان از دنیای غیر سرمایه داری، بر پایه کتب، روزنامه ها و مجلات غربی شکل می گرفت، که زشت جلوه دادن این دنیا وظیفه اصلی آنها بود.

پس از انقلاب، کسانی، با همان کوله بار معلومات تحریف شده، از اروپای غربی و آمریکا به ایران آمدند و برخی از آنها در مطبوعات و رادیو تلویزیون به کار مشغول شدند. این گونه افراد چون با یکی دوزبان خارجی کمابیش آشنایی داشتند، روزنامه ها و مجلات انگلیسی و آلمانی و فرانسوی را پیش خود گذاشتند و بر پایه محتویات آنها به تفسیر و تحلیل حوادث سیاسی بین المللی آغاز نمودند.

نظریه اصلی در اغلب این تفسیرها و تحلیل ها از این مجلات و روزنامه ها گرفته و حتی گاهی بدون ذکر ماخذ ترجمه می شود. امیدواریم فرصتی دست بدهد و ما با ستود مدرک این گفته خود را به اثبات برسانیم. البته مقصود ما از جمله بندی و طرز بیان نیست، بلکه نظریه هاست، فکر-هاست، هر چند آن را در جملات دیگری، جز جملات اصل آن روزنامه یا مجله خارجی پیچیده باشند. ولی حتی گاهی کلمات و عبارات نیز عینا همان کلمات و عبارات است.

متاع قلبی که این مفسران و تحلیل گران غرب زده از روی مجلات و روزنامه های اروپای غربی و آمریکا به نام تفسیر و تحلیل سیاسی بخورد خوانندگان خود می دهند، در بسیاری از موارد منحرف کننده و زبان بار است. هستند کسانی که دانسته مردم را به انحراف می کشند، اما کسان دیگری

تفسیرهای سیاسی

نیز هستند که، به دلیل آن که نمی توانند از آن چه در دوران شاهنشاهی در ایران و یادار اروپای غربی و آمریکا خوانده و یا شنیده اند، یا فراتر نهند، تفسیرها و تحلیل های شان نیز در همان چارچوب انجام می گیرد.

تسرقی سطح دانش سیاسی پس از انقلاب

با وجود این، اگر نگاهی به مطبوعات ایران در دوران پس از انقلاب بیفکنیم، می بینیم که با پیشرفت انقلاب، سطح دانش سیاسی پیوسته ترقی کرده است. برخورد اندیشه ها و تعاطی افکار در زمینه مسائل داخلی و بین المللی تاثیر مهمی در بالابردن سطح تفکر سیاسی در ایران پس از انقلاب داشته است. چه بسیار اندیشه های نادرست که در اثر این برخورد ها به تدریج حاکمیت خود را از دست داده اند و حتی به عکس خود تبدیل شده اند. حضور توده های مردم در صحنه سیاسی آزمایگاه صحت و سقم این اندیشه ها بوده است. آزادی عقیده و مطبوعات، این نعمت بزرگی که انقلاب ایران با خود به ارمان آورد، برای عرضه کردن تمام افکار زمینه مساعد فراهم کرد. برخورد عقاید در صفحات مطبوعات موجب شد که مردم به تجربه خویش به درستی و نادرستی قضاوت ها و مواضع سیاسی افراد و روزنامه ها و احزاب و گروه ها پی ببرند.

نتایج زیان بخش تفسیرهای نادرست

تفسیرها و تحلیل های سیاسی به خصوص در دوران پس از جنگ تجاوزی رژیم مدام علیه ایران اوج گرفته است. در این تفسیرها و تحلیل ها گاهی نکات نادرست و نتیجه گیری های غلطی به چشم می خورد که به دلیل حساسیت زمان و موضوع می تواند زیان های بزرگی بر ما وارد کند. برخی از تحلیل گران نتیجه عارا قبلا می گیرند و سپس حوادث و وقایع را در بطن این نتایج "جاسازی" می کنند. برخی دیگر بر پایه اخبار نادرستی که از حوادث و وقایع دارند، نتایجی نادرست ترمی گیرند. این نیز یکی دیگر از میراث های ننگین رژیم شاهنشاهی است که تحلیل گران ما تنها از منابع خبری و مطبوعات غرب یعنی از "امپریالیسم خبری" تغذیه می کنند. یک مفسر سیاسی با این منابع خبری و اطلاعاتی و با پیش داوری ها و قضاوت ها و نظریات نادرستی که بر اساس آموزش غلط دارد، جز آن چه می نویسد، چه می تواند بنویسد؟ تنها یک دریچه به روی او باز است و آن دریچه غربی است که خبرها و اطلاعات و تفسیرها و تحلیل های خود را بر حسب منافعش تنظیم و منتشر می کند. این است یکی دیگر از مظاهر وابستگی عمیق فرهنگی (و به دنبال آن سیاسی) ما به امپریالیسم و این وابستگی پیش از هر چیز و بیش از هر چیز در رابطه ما با دنیای سوسیالیسم آشکار می گردد.

رئیس جمهور: آمریکا بانی جنگ عراق علیه ایران است

برای آن که برای گفته های خود نمونه ای بیاوریم، از میان انبوهی از تفسیرها و تحلیل های، که پس از آغاز جنگ تجاوزی رژیم مدام علیه ایران در روزنامه ها منتشر شده است، یکی از تازه ترین آن ها را انتخاب می کنیم و ارزش مدعا های آن را با محک واقعیات و عقل سلیم می سنجیم. این تفسیر به صورت مقاله ای در روزنامه انقلاب اسلامی (شماره اول آذر سال ۵۹)

زیر عنوان "نگاهی کوتاه بر جنگ ایران و عراق" چاپ شده است. نویسنده مقاله مدعی است که: "شوروی برای نجات از بن بست افغانستان... هیئت حاکمه عراق را، که به وسیله ثروت های غنی منابع نفتی بیمن های طویل المدت و سنگین نظامی باروسیه داشت و با اسلحه های مدرن و ارتش نسبتا مدرنیزه ای را در منطقه بوجود آورده بود، بهره جست و صدام را، دلگرم از پشتیبانی نظامی خود، به حمله به ایران تشویق نمود."

مقصود نویسنده روشن است. آقای مفسر می خواهد بگوید که: اتحاد شوروی محرک جنگ عراق با ایران است! بی اطلاعی (امیدواریم غرض نباشد) از خلال این نوشته فوران می کنند. مدتها است که دیگر احدی در ایران و حتی در غرب چنین ادعای بی اساسی را مطرح نمی کند. امروز همه می دانند که محرک این جنگ آمریکا بوده است. جالب آن که عین این مطلب را ما در چند صفحه پیش، از همین شماره روزنامه، از زبان آقای رئیس جمهور، که صاحب امتیاز روزنامه نیز هستند، می خوانیم. ایشان به درستی چنین می نویسند:

"آمریکایانی این جنگ بوده و شاید این جناحی که انتخابات را برده است، بانی این جنگ بوده است و ادامه جنگ به سود آمریکا است. این جنگ وضعیت دلار را به سود آمریکا تشبیهت می کند و قیمت های مواد ساخته شده و خام را به سود آمریکا پایین و بالا می برد و موقعیت سیاسی - نظامی آمریکا را در خاور میانه تشبیهت می کند و..."

نویسنده تفسیر "نگاهی کوتاه بر جنگ ایران و عراق"، اگر کوچک ترین اطلاعی از سیاست اتحاد شوروی و تاریخ معاصر جهان می داشت، می دانست که جنگ افروزی از ریشه با ماهیت نظام سوسیالیستی و با سیاست خارجی اتحاد شوروی تباین دارد. ما در تاریخ شصت و چند ساله اتحاد شوروی حتی یک مورد نمی توانیم پیدا کنیم که این کشور آغازگر جنگ یا هوادار اقدامات جنگی برای حل مسائل مورد اختلاف باشد. اتحاد شوروی همواره تمام کوشش خود را برای خاموش کردن کانون های جنگ و جلوگیری از توسعه آن به کار می برد. در دوران اخیر، بهترین نمونه آن میانجی گری اتحاد شوروی در جنگ میان هندوستان و پاکستان بود، که به برقراری صلح منجر شد.

کشورهای سوسیالیستی، چنان که رهبران آن بارها اعلام کرده اند، با توسعه جنگ ایران و عراق و مداخله سایر دولت ها در این جنگ مخالفند، زیرا ادامه این جنگ - چنان که آقای بنی صدر به درستی نوشته اند - به سود امپریالیسم آمریکا است.

این جنگ به سود آمریکا و سایر کشورهای امپریالیستی است، زیرا مبارزه ضد امپریالیستی تمام خلق های منطقه را در جبهه واحد که موجب تضعیف امپریالیسم - دشمن اتحاد شوروی و تمام خلق های جهان می گردد، به مبارزه بین خود آنان، که موجب تضعیف جبهه واحد ضد امپریالیستی می شود، مبدل می سازد، و در همان حال بهانه ای برای تقویت و گسترش حضور نظامی آمریکا در خلیج فارس، دریای عمان و اقیانوس می گردد - که به نوبه خود خطری جدی برای استقلال خلق های منطقه و صلح و امنیت در منطقه جهان است.

خیانت رژیم صدام حسین به خلق عراق، به خلق ایران و به سایر خلق های منطقه این است که در جبهه واحد ضد امپریالیستی خلق های ایران و عراق و سایر خلق های منطقه، به نفع سیاست آمریکا شکار انداخته و عملا نقش نیروی ضربتی امپریالیسم آمریکا را به عهده گرفته است.

بدین سان، نظریه نویسنده تفسیر

از ریشه مخدوش و گمراه کننده است، زیرا حقیقت را چه خواهد چسبده نخواهد - به سود امپریالیسم آمریکا دگرگون جلوه گرمی سازد.

اتحاد شوروی صادقانه پشتیبان انقلاب ایران است

از سوی دیگر، نویسنده تفسیر این ادعای بی پایه مطبوعات غربی را، که گویا اتحاد شوروی از سرایت انقلاب اسلامی ایران به ۶۰ میلیون مسلمان روسیه می ترسد (و به عقیده او این یکی از دلایل لشکر کشی روسیه به افغانستان است!) تکرار می کند و با این حلقه بی ربط، تجاوز رژیم صدام به ایران را با حوادث افغانستان به هم متصل می کند.

نظریه "ترس شوروی" از انقلاب اسلامی ایران را با راول مطبوعات بزرگ غرب، که همه در دست انحصارات، بخصوص اتحاد رات صهیونیستی است، به میان افکندند تا "ثابت" کنند که به علت این "تضاد" منافع بین اتحاد شوروی و انقلاب اسلامی ایران، اتحاد شوروی نمی تواند پشتیبان انقلاب ایران باشد، زیرا گویا رشد و توسعه جنبش اسلامی در ایران، ۶۰ میلیون مسلمان اتحاد شوروی را به قیام برضد دولت خود، برخواند انگیزت.

تحلیل گران غرب خودشان کمابیش از وضع اتحاد شوروی و مسلمانان آن کشور اطلاع دارند و به قدر برخی از مفسران ما پیاده نیستند. اما با این دروغ ها به "مفسران" ما خوراک می دهند، و چون به وابستگی فرهنگ سیاسی ما به غرب به خوبی واقفند، اطمینان دارند که کالای تقلبی آنان در کشور ما رواج خواهد یافت، و چنان که می بینیم متأسفانه رواج هم یافته است.

اما بینیم رشد انقلاب اسلامی چه خطری می تواند برای منافع اتحاد شوروی ایجاد کند. "رشد انقلاب" بدان گونه که ما می فهمیم، به معنای گسترش و تحقیر انقلاب است. انقلاب ایران فقط از یک راه می تواند "رشد" کند و آن راه رشد گرایشی ضد امپریالیستی و ضد سرمایه داری در آن است. انقلاب ایران از همان ابتدا در این مسیر گام نهاد و بایچه و خم هایی در این راه به جلو گام برمی دارد. هر قدر انقلاب ایران در این مسیر پیشرفت کند، زمینه اجتماعی و سیاسی و اقتصادی مخالف با سوسیالیسم و کشورهای سوسیالیستی نیز در ایران کاهش می یابد و نیروهای طرفدار تیره کردن روابط با کشورهای سوسیالیستی ناتوان تر می گردند. هر قدر انقلاب اسلامی بیشتر رشد کند، نیروهای ضد امپریالیستی و ضد سرمایه داری آن نیرومندتر و نیروهای ضد سوسیالیستی آن ضعیف تر می شوند. برعکس، اگر رشد انقلاب اسلامی متوقف شود و یا به عقب برگردد و در ایران، ساداتی یا بختیاری به حکومت برسد، سمت ضد شوروی و ضد سوسیالیستی آن اوج می گیرد و سمت ضد امپریالیستی و ضد سرمایه داری آن شاخه نزولی خود را آغاز می کند.

بنابراین، برخلاف عقیده نویسنده مقاله، اتحاد شوروی ز جنبش های انقلابی اسلامی هراسی ندارد، زیرا رشد این جنبش ها با منافع بنیادی جهان سوسیالیسم و از جمله اتحاد شوروی هماهنگی کامل دارد، زیرا جنبش های آزادی بخش ملی زیر هر پرچمی (از جمله پرچم اسلام) باشند، متفقان طبیعی دنیای سوسیالیسم اند. اما درباره این که انقلاب اسلامی ایران چه تاثیری می تواند بر مسلمانان اتحاد شوروی به جای بگذارد، بین کشورها و جمهوری های مسلمان اتحاد شوروی، که اغلبشان با ایران مرز مشترک دارند، از دیرباز روابط فرهنگی و اقتصادی و غیره وجود داشته است. بسیاری از این خلق ها، از جمله آذربایجانی ها، ترکمن ها و غیره در دوسوی مرز ایران و اتحاد شوروی زندگی می کنند. پس از برقراری حکومت رضا خان در ایران به دنبال انقلاب کبیر سوسیالیستی اکتبر، رضا خان، به دستور اربابانش هرگونه مراد و ارتباط بین خلق های

بقیه در صفحه ۶

کارگران و وزارت کار و امور اجتماعی

*** کارفرمایان هر چه می خواهند می کنند و اداره های کار هنوز تماشاگرند.**

هدایت کند. چه مبارزه دشواری را از سر گذرانده بود و اکنون چقدر کار پیش رو داشت!

طبقه کارگر ایران می بایست در سندیکاها و اتحادیه های مستقل خود متشکل می شد، به تدوین قانون کار انقلابی باری می داد، دست غارتگر کارفرمایان طاغوتی را قطع می کرد، ضد انقلاب را در محل کار خود درهم می کوبید و در عین حال همه مبارزات خویش را در چارچوب دفاع بی امان و عملی از انقلاب و نظام نوین به پیش می راند.

در این میان دشواری ها کم نبود. هر چند رژیم سابق سرنگون شده بود، ولی آثار شوم آن پابرجا بود. سیستم اداری دست نخورده بود. تشکیلات عریض و طویل وزارت کار و اداره های کار استان ها برای سرکوب کارگران سرهم بندی شده بودند و هنوز همان ضوابط و روابط به طور عمده به جای خویش باقی بود. تا این دستگاه وجود داشت، هم زمان با ایجاد نهادهای انقلابی و تلاش برای درهم شکستن نظام اداری پیشین در کل جامعه، وزارت کار نیز باید دگرگون می شد. ولی این کار ماند و ماند و به تعویق افتاد و در این میان، حتی پس از پیروزی انقلاب، بسیار امیدها که مجال شکوفایی و رشد نیافت.

این تاخیر که علت یا علت های آن کم و بیش برهنگان آشکار است. به هر حال می بایست جبران می شد. و سرانجام هم اکنون، وزیر منتخب مجلس شورای اسلامی چنین انتظاری را از نو و عملاً برانگیخته است.

آقای میر محمد صادقی از جمله به این معنی کاملاً توجه دارد که علیرغم وجود بسیاری از کارمندان شریف و مردمی در وزارت کار، تا روزی که باید از نو بافته شود. این کار البته به آن معنی نیست که همه اخراج شوند و با آموزش جدید، عده دیگری، آن هم در بنای دیگری و با وظایف به کلی تازه ای، شروع به کار کنند.

نه؛ همانطور که وزیر کار خود گفته است: "چاره سازمانی وزارت کار در دست بررسی است و معاون ایشان مأموریت یافته است تا تقاضای معایب را، که به قول ایشان "به نظر می رسد با شرایط انقلابی، سازگاری ندارد"، ارزیابی و تعیین کند. تا نسبت به تغییر آن اقدام شود.

واقعیت آن است که انقلاب ایران زمینه مساعدی فراهم کرد، تا کارگران ایران به خواست های حداقلی و ابتدایی خود دست یابند و اکنون این زمینه مساعد بیشتر شده است. وزارت کار با عمل انقلابی خود باید حداقل این نیاز را جویاگو باشد.

متأسفانه با یک نظر اجمالی به فعالیت های اداره های کار در طی بیست ماه گذشته، می توان دریافت که آن سازماندهی لازم روح انقلابی، که باید در کار باشد - یا به وجود آید - هنوز مهیا نیست. به عبارت دیگر، اداره های

وزارت کار و امور اجتماعی، پیش از انقلاب، بخشی از نظام سرسپرده شاهنشاهی بود.

نظام پیشین نیز در خدمت امپریالیسم جهانی و در رأس آن امپریالیسم آمریکا شکل گرفت. آن دستگاه از بیچ و مهره های گوناگونی استفاده می کرد، تا چرخ های اجتماع را به سود خود به حرکت در آورد. بنا بر این، اگر موسسه، اداره، تشکیلات یا قانون و مقرراتی در کار بود، هدف دیگری نداشت مگر ادامه غارتگری و موجه نشان دادن نابرابری و ستم. وزارت کار و قانون کار نیز در محدوده مربوطه خود، می بایست از هر جهت دستیار سرمایه داران بزرگ و وابسته به امپریالیسم و کارگران داخلی آن باشد. در ظاهر، البته، این نهاد و ضوابط به اصطلاح قانونی آن ناظر بر حل اختلاف بین کارگر و کارفرما، فرمول بندی حقوق هر یک، اجرای آئین نامه های گوناگون مربوط به اداره کارخانه ها و نظارت بر عموم مسائلی بود، که در جریان کار امکان بروز پیدا می کرد.

اما اگر در آن قانون کار از سندیکا، از حقوق و مزایای کارگری، از شرایط بهداشتی و ایمنی مطمئن برای تداوم جریان تولید و حفظ سلامتی و حقوق انسانی کارگران سخن می رفت، در عمل حتی همین اندک هم محلی از اعراب نداشت.

کارفرمایان در تعیین میزان دستمزد و مزایا و در استفاده یا اخراج کارگران هیچگونه محدودیتی نداشتند. آنان بر سرنیزه های آریامهری متکی بودند و به کارگران حق کوچکترین صحبت و اظهار نظری داده نمی شد. هیچ کارگری از کار خود نه تا مین داشت و نه به کمترین اندازه رضایت، ولی در مقابل همه وسایل، روش ها، ضوابط و روابط سیاست های عملی دستگاه سابق، به ویژه در وزارت کار، یک - پارچه در خدمت کارفرمایان غارتگر بود. بدیهی است که چنان نظامی دوام نداشت و حتی در اوج قدرتمندی ها و رجز خوانی هایی با اشکال گوناگون اعتراض و اعتصاب کارگری مواجه می شد. سرکوب، حبس و شکنجه کشتار کارگران نیز چاره نبود و سرانجام با اوج گیری جنبش انقلابی، نظام نوینی بر - ویرانه های دستگاه فاسد پیشین پدید آمد و جمهوری اسلامی ایران بارهبری امام خمینی تشکیل شد.

روزنه های امید باز شد و از آینده روشن خبر داد. طبقه کارگر ایران نیز حق حیات یافت و کوشید تا نسیم سعادت بار انقلاب را به کارخانه ها

کار در خط انقلاب فرار نگرفته اند و کارگران در مراجعات مکرر خود، غالباً دست از یا درازتر و مایوس، در حالی که کوچکترین باری از کرده آنان سبک نشده، از این موسسه رانده شده اند. ذکر تنها چند نمونه منتخب، این مدعا را ثابت می کند:

تاریخ ۵۸/۸/۱۳ - چند تن از کارگران و کارکنان "شرکت مسافربری اتوتاج"، که حقوق و مزایای آن ها پرداخت نشده، به مدت ۵ ماه شکایت خود را در اداره کار دنبال کرده اند، ولی کوچکترین نشانه ای از رسیدگی به خواست هایشان در دست نیست...

تاریخ ۵۸/۱۲/۱۵ - کارگری بدون کمترین بهانه و کوچکترین دلیل از "شرکت گسترش سردخانه" اخراج شده است. وی نیز مدت ۵ ماه است به اداره کار شکایت کرده، ولی هیچ نتیجه ای نگرفته است. از این شرکت نزدیک به بیست نفر اخراج شده اند...

* وزارت کار با قاطعیت انقلابی و با استفاده از قانون مرفقی کار، نقش بسیار با اهمیتی در دفاع از انقلاب و طرد ضد انقلاب خواهد داشت.

تاریخ ۵۹/۱/۲۵ - ده تن از کارگران کارخانه "چراغ سازی امید" واقع در خیابان ری، به اداره کار آمده اند. آن ها پیش از نوروز اخراج شده اند. می گویند بیش از دو هفته است اخراج شده اند و مدعی اند هیچکس به کار آن ها توجهی نمی کند...

تاریخ ۵۹/۳/۳۱ - یکی از کارگران "کارگاه فرهود"، واقع در خیابان استخر، به نمایندگی از هشت تن از کارگران کارگاه، شکایت خود را تسلیم مسئولین اداره کار کرده است و می گوید:

"من به اتفاق چند تن از کارگران بیش از شش سال سابقه کار داریم، در حالی که تازه دستمزد، معادل حقوق پایه وزارت کار - یعنی روزانه ۵۶۷ ریال - است. خیلی وقت است شکایت کرده ایم، ولی هنوز خبری نیست..."

مرداد ماه ۵۹ - حدود بیست تن از کارگران کارخانه "چای گلچین"، واقع در میدان شوش، به اداره کار مراجعه کرده اند و از قانون شکنی های کارفرمایان شکایت نموده اند. متأسفانه مسئولان اداره کار، به جای آن که به خواست های به حق آنان رسیدگی کنند به آنها نصیحت کرده اند که:

"یک طوری با کارفرما بسازید. خوب نیست، با این بی کاری ها، با هم دیگر اختلاف داشته باشید!"

تاریخ ۵۹/۶/۲۵ - در کارخانه

"فیلستیک"، تولیدکننده ظروف پلاستیکی، واقع در حومه قم، یکی از کارگران اخراج شده است. این کارگر عضو شورای کارخانه است. بیشتر کوشش او متوجه تشویق کارگران به تولید بیشتر در جهت قطع وابستگی و دعوت به اتحاد آن ها در محیط کارخانه بوده است.

این کارگر از جمله در شورای کارخانه، توانسته بود لیست مربوط به سازمان بیمه های اجتماعی را، که کارفرما در آن بجای سی و یک روز کار، معادل بیست و هشت روز برای کارگران منظور می کرد، تصحیح کند. گرفتن بخشنامه مربوط به سود کارخانه، ساعات هفتگی کار (۴۴ ساعت) و مساعده، که کارفرما به کلی با همه آن ها مخالف بوده است، از دیگر کارهای این نماینده شایسته کارگران است.

وی، علاوه بر این، کارفرما را وادار کرده بود، تا حقوق ماهانه کارگران را ابتدای هر ماه پرداخت کند. کارگراخراچی در برابر نماینده کارفرما، که در محیط کارخانه به کارگران فحاشی کرده بود، جانانه به دفاع از شرف کارگران برخاسته بود.

کارفرما اجازت ناراحت شدن و نهایتاً تلاش برای اخراج این کارگر چه می توانست بکند؟

جالب این جاست که از جمله اتهامات این کارگر آن بوده که، به اداره بهداشت اطلاع داده تا به وضع غیر بهداشتی کارخانه، که سلامتی کارگران را در خطر قرار داده است، رسیدگی کنند!

کارفرما با استناد به ماده ۳۳ قانون کار دست به کار می شود. اداره کار هم صریحاً اعلام می کند:

"تا این ماده قانونی هست، دست ما بسته است و نمی شود تورا به کارخانه برگردانیم. فقط می توانیم حکمی برایت صادر کنیم که اندکی پول از کارفرما بگیریم!"

و برای کارفرما چه بهتر از این که با دادن مبلغ ناچیزی، "شر" چنین "مزاحمی" را از سر خود کم کند و با خیال راحت به "کارا" خود مشغول شود. ناگفته نماند که این کارفرما در اوایل انقلاب نیز یازده تن از کارگران را اخراج کرد، که سرانجام با مقاومت خود کارگران و با کمک "کانون کارگران قم" دوباره سر کار خود بازگشتند!

... و این رشته سردرآورد. هرکس که گه گاه سری به محل اداره های کار بزند، همه روزه کارگران زیادی را می بیند که غالباً به نمایندگی از طرف بسیاری از کارگران آمده اند و در ارتباط با خواست های ناچیز - اما حیاتی و مبرم خویش - شکایت دارند و این ماه ها است سرگردان هستند. و این نیست، مگر وجود همان روابط عاقل پیشین، که همچنان سایه خود را بر این موسسه افکنده است. درست اینگونه عمل کرد است که باید ریشه کن شود.

می دانیم که طبقه کارگر بسیاری از محرومیت ها را - به ویژه در شرایط

*** شکایات کارگران به اداره های کار هنوز مورد رسیدگی دقیق قرار نمی گیرد.**

کنونی - می پذیرد و از هزار درگذشته، به زحمت اگر یکی را فریاد کند. و از این "یکی" هم چه بسا در بسیاری موارد درگذرد، یا علاج را به آینده موکول کند، و به هر حال بسیار کم اتفاق می افتد که از کار و زندگی خویش بزند و به اداره کار، مگر مراجعه کند. دلیل آن هم روشن است: هراس از این دستگاه عریض و طویل، اما به قول خود آنان "اما مزاده بی معجزه". اما همین موارد هم در صورت رسیدن به این موسسه جوابگوی نمی شوند و این جریان خواه ناخواه در ذهن بعضی از کارگران "گذشته" را از نو زنده می کند.

حال چگونه می توان عمل کرد وزارت کار و امور اجتماعی را زیر سؤال قرار نداد؟ اگر در این زمینه سخنی به میان نیاید، در بهترین حالت به معنای آن است که کارگران امیدی به بهبود ندارند. و می دانیم که چنین نیست.

پس اگر این نظام، از آن خود کارگران است، اگر آنان به درستی به آینده امیدوارند، و اگر برای طرد ضد انقلاب و برای تحکیم مبانی خلقی انقلاب، به دنبال آن هستند که دشواری ها را از سر راه بردارند، باید این نحوه برخورد را به فال نیک گرفت و نظرها، انتقادات، رهنمودها و حتی "اوقات تلخی ها" را به جان خرید. این حرف ها از دل پر خون کارگران برمی آید و باید بردل مسئولین، که بسیاری از آنها خود کارنامه ای انقلابی دارند، بنشیند.

دشمن بی گمان در این توطئه خود که کارگران را مایوس و سرخورده، از انقلاب روگردان کند، شکست خواهد خورد. آینده نشان خواهد داد که این یک خوش بینی بی محتوی و دلیخواه نیست، بلکه واقعیت خود را در پیشرفت دستاوردهای انقلاب، در تدوین، تصویب و اجرای قوانین مترقی و در دفاع مستمر و بنیادی از منافع مردم، به دنیا نشان خواهد داد.

اما آنچه که در مقام هشدار می توان و باید تصریح کرد آن است که:

*** وزارت کار و امور اجتماعی باید فعال شود و از هر جهت بر کاروندگی کارگران نظارت کند.**

*** مسئولین اداره های کار باید به دفاع از حقوق مشروع کارگران برخیزند و علیرغم همه کار شکنی ها و دشواری ها، کارفرمایان را ملزم به رعایت این حقوق کنند.**

*** تدوین قانون جدید کار با نظارت و مشارکت نمایندگان کارگران هر چه زودتر به انجام رسد.**

ما و اتحاد غرور آفرین همه اقشار مردم و همه خلقهای ایران، در مقابل با این دسیسه ها و تجاوزات، تاریخ ساز است؛ در شرایطی که همه انقلابیون و مبین دوستان، از جمله حزب توده ایران، همه توان خویش را در حفظ و تحکیم جمهوری اسلامی ایران و پشتیبانی از رهبری سازش ناپذیر و هوشیار و قاطع آن بکار می برند، تا پروژه امپریالیسم جنایتکار آمریکا و وابستگی اش را به خاک بمالند و وظیفه ای مقدس تر از دفاع از انقلاب و جمهوری اسلامی ایران نمی شناسند، و در حالی که صفوف یکپارچه مردم انقلابی ما به رهبری امام خمینی لریزه براندازان امپریالیستهای جهانخوا را نداخته است، هیئت پاکسازی آموزش و پرورش استان بوشهر در پاسخ نامه مسئولان و تذکرآمیز، که از طرف حزب توده ایران - سازمان شهرستان بوشهر، در تاریخ بهیه در صفحه ۶

نامه سرگشاده سازمان حزب توده ایران در بوشهر:

تفرقه اندازی، بهر نام و عنوان، تنها بسود امپریالیسم آمریکاست

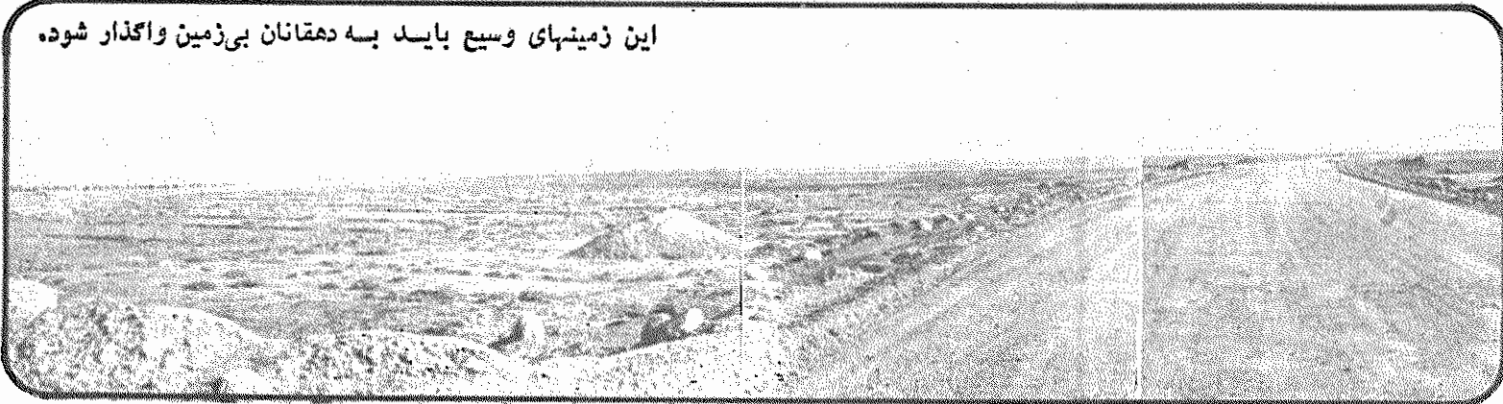
حزب توده ایسران از مسئولان آموزش و پرورش میخواهد که انتقادات اصولی را جانی بگیرند و با آن برخورد انقلابی داشته باشند.

شهرستان بوشهر در پاسخ ناسزا و افتراهای "هیئت پاکسازی" نامه سرگشاده ای خطاب به مسئولین ستاد امنیت استان بوشهر انتشار داده است، که در زیر نقل می شود:

"در این لحظات سرنوشت ساز، که مردم میهن ما درگیر جنگ تحمیلی با رژیم مغفور بعث عراق، مجری نقشه امپریالیسم جنایتکار آمریکا برای درهم شکستن انقلاب و جمهوری اسلامی ایران است؛ در این لحظات که خیزش عظیم توده های بیدار کشور توده ایران، و به جای هرگونه پاسخ منطقی، جزوهای سراپا ناسزا و افترا علیه حزب توده ایران انتشار داد و در سطح شهر پخش کرد، غافل از این که ناسزا و افترا به حزب توده ایران، که از بذل هیچگونه فداکاری در دفاع و پشتیبانی از انقلاب و جمهوری اسلامی ایران به رهبری امام خمینی دریغ نداشته است، نه به سود انقلاب است، نه مشکلی را حل می کند. حزب توده ایران - سازمان

چندی پیش در استان بوشهر، تعدادی از آموزگاران مرفقی را، که در آموزش و پرورش این استان شاغل بودند، تحت عنوان "پاکسازی" اخراج کردند. حزب توده ایران - سازمان شهرستان بوشهر، به این مناسبت نامه سرگشاده ای به عنوان اعتراض به این گونه اعمال، که در شرایط کنونی جز به سود شیطان بزرگ - آمریکا و عمال خارجی و داخلی آن نیست، به استاندار بوشهر و اداره آموزش و پرورش ارسال داشت. متأسفانه هیئت پاکسازی آموزش و پرورش استان بوشهر، در جواب اعتراض به حق حزب

مالکان بزرگ علیه هیئت های هفت نفری



این زمینهای وسیع باید به دهقانان بی زمین واگذار شود.

امام اعتقاد داریم که فرموده اند به دهقانان عزیز بگوئید که نه من هوادار مالک هستم و نه پشتیبان فتودال»

گروه های ۷ نفری این سخن مستضعف پرور امام را حتما شنیده اند. ما هم بدینوسیله آن را بازگو میکنیم و ادامه فعالیت انقلابی آنسها را

خواستاریم. وظیفه همه مقامات دولتی و نهادهای انقلابی است که به هیئت های ۷ نفری کمک کنند تا تشبثات لیبرالها به نتیجه نرسد و قانون مصوبه که به تأیید فقها نیز رسیده است عملی شود.

مالکین بزرگ نجات دهند. ما از انقلاب توقع عدالت داریم و حاضریم تا پای جان از آن دفاع کنیم. ما با دستان پینه بسته امان این دشتها را آباد خواهیم کرد و با عرق جبین خود آنرا آبیاری خواهیم نمود. نگذارید زمینهای وسیع بدون استفاده بمانند و بچه های ما سر بی شام بر زمین بگذارند. نگذارید ما در حسرت داشتن امکان تولید پژمرده شویم و بپیریم. بیایید با واگذاری عادلانه زمین به ما هم حق حیات و کار و کوشش بدهید. بگذارید ما هم در نبرد بر علیه شیطان بزرگ از راه تولید، دین خود را به ملتمان ادا کنیم. ما همیشه به گفته های

در ۳۵ کیلومتری جنوب غربی تبریز زمین با ارزش زراعتی بمقدار زیادی وجود دارد ولی ۲۰ خانوار از روستائیان خاصیان از داشتن حتی یک وجب زمین محرومند. دهقانان میگویند: «ما را مالکین این روستا تهدید به مرگ می کنند و میگویند اگر با هیئت ۷ نفری تماس بگیرد شماها را از ده بیرون میکنند. باورنیکند ولی حقیقت دارد که حتی پس از انقلاب ما را در مسجد هم راه نمیدادند. روستائیان بی زمین روستای خاصیان میگویند باید دست عدالت از آستین انقلاب بیرون آید و ما و خانواده امان را از فلاکت و ستم

زحمتکشان روستای وزیرآباد: اگر لازم بشود همه چیزمان را برای پیروزی بر صدام و امریکا می دهیم!

روستای وزیرآباد، در ۲۵ کیلومتری شمال اراک، در منطقه فراها ن قرار گرفته است. در این روستا نزدیک به سیصد نفر زندگی میکنند، که از این تعداد ۱۲ خانوار خوش نشین هستند. روستا دارای مدرسه است. جهاد سازندگی اراک نیز در این روستا اقدام به ساختن حمام بهداشتی کرده است. روستا فاقد برق است و قسمتی از جاده هایکه روستا را به شهر مرابوط میکند، در زمستانها غالباً بسته میشود. روستائیان خواهان تعمیر این جاده هستند.

قبل از انقلاب، یکی از مالکان وزیرآباد حدود ۸۰ هکتار زمین روستائیان را به ازای هکتاری ۵۰ تومان به زور از روستائیان خریداری و مقداری از این زمین ها را به کسان دیگری فروخته بود. روستائیان با کمک هیئت هفت نفری ۲۸۰ هکتار از این زمینها را باز پس گرفته و زیرکشت برد هاند.

امان علی یکی از دهقانانی که بر روی زمین کار میکنند، میگوید:

«این زمین را از طرف کمیسیون هفت نفری به ما داده اند. ما ۸ نفر بطور جمعی آنرا کشت میکنیم.»

زحمتکشان وزیرآباد نیز همچون زحمتکشان دیگر روستاهای میهنمان، امسال بفرمان امام خمینی، زمینهای بیشتری را کاشته اند. یکی از زحمتکشان بنام امید علی میگوید:

«اگر زمین بماند بدهند با هم حاضریم بکاریم. و امان علی در ادامه صحبتهایش میگوید:

«بیکتفرایینهمه زمین را نمی تواند بکارد. خدا را خوش نمی آید زمین بیکار بماند.»

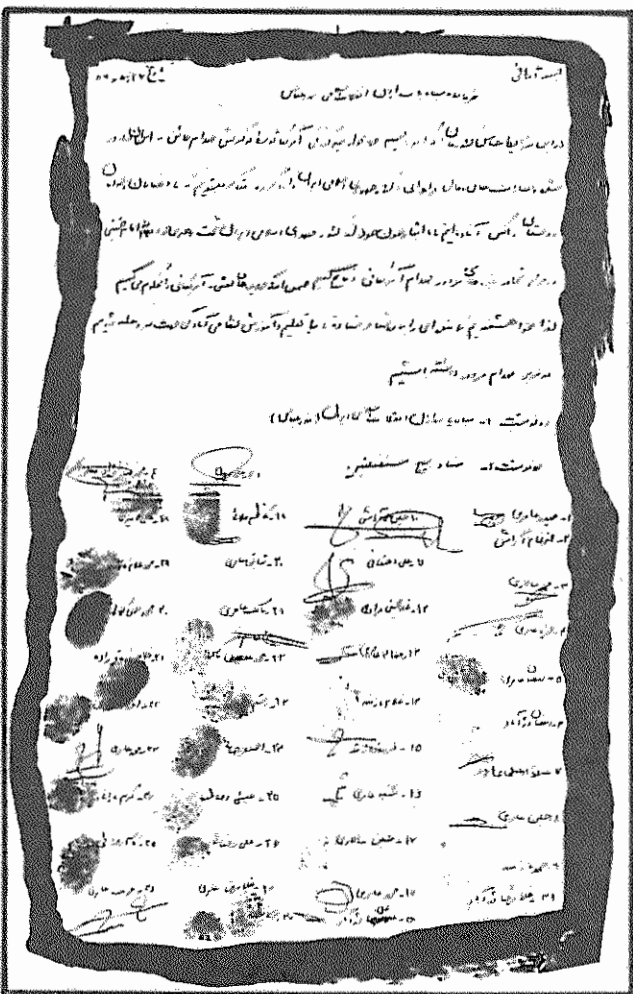
در باره تاجا و مزدوران صدام میگوید:

«ما جان و مال و هر چه را که داریم حاضریم در راه امام و انقلاب بمان بدهیم و حاضریم هر وقت امام دستور بدهد، به جنگ با صدام بیزید برویم و او را سرنگون کنیم. الان پسرم در سیل ذهاب بر ضد صدام کافر می جنگد.» وی ادامه میدهد:

«ما گندم، آرد، گوسفند و پول برای جبهه داده ایم، و اگر لازم شود، همه چیزمان را برای پیروزی بر صدام و امریکا میدهیم.»

این دهقانان حامی انقلاب و مدافع جمهوری اسلامی ایرانند. زمین ها را با یکدکلا وبدون استثناء با آنها داد تا انقلاب تحکیم شود. هیئت هفت نفری باید تقویت شود و دهقانان را انقلابی بسیار مهم خودبیردازد. دهقانان را حاضرند جان و مال و هر چه را که دارند، در راه امام خمینی و انقلاب بدهند. نباید گذاشت که روحانی نمایان ضد خط امام و لیبرالهای سازشکار مدافع استعمار و وابستگی، باین ایمان مقدس میلیونها دهقان صدمه ای وارد کنند.

دهقانان آماده اند تا تجاوز صدام امریکائی را سرکوب کنند



در شماره امروز "نامه مردم" نامه دهقانان روستای زاکین از توابع بندر عباس را به سیاه پاسداران منطقه چاپ می کنیم که نمونه دیگری است از آمادگی روستائیان جان برکف ما برای دفاع از انقلاب و از جمهوری اسلامی ایران. آنها به حق انقلاب را متعلق به خود می دانند و در برابر تجاوز صدام امریکائی حاضرند جان خود را هم فدا کنند. بدران و مادران و همسران آنها نیز در دهات کشتزارها را به سنگر تبدیل کرده اند و آماده اند همجا را بکارند و هر چه در نیرو دارند بکوشند تا محصول زیادتیری به دست آید و فرمان امام دایر به جهاد کشاورزی را عطسی سازند.

نامه روستائیان زاکین یکی از ده ها هزار نمونه ای است که به نهادهای انقلابی الهام می بخشد تا در خدمت این توده زحمتکش، برای سازماندهی نظامی آن، برای احیاء اقتصادی آن، برای کوتاه کردن جنگال غارتگر بزرگ مالکان هرچه بیشتر بکوشند.

و این متن نامه و کلیشه عین آن:

بسمه تعالی
فرمانده سیاه پاسداران
انقلاب اسلامی
بندر عباس

در این شرایط حساس کشور-مان که امپریالیسم جهانوار به سرکردگی امریکا توسط نوکرش صدام خائن به ایران حمله ور شده و خسارت جانی و مالی فراوانی به کشور جمهوری اسلامی ایران وارد کرده متذکر می شویم که ماددهقانان و جوانان روستای زاکین آماده ایم تا با اینار خون خود از کشور جمهوری اسلامی ایران تحت رهبری خردمندان امام خمینی در برابر تجاوز

نیاز مبرم به یاری دولت برای تقویت پشت جبهه

چاپشلو یکی از بخش های شهرستان درگز و دارای جمعیتی حدود ۴۰۰۰ نفر است که ۶۱۵ خانوار را تشکیل می دهد. روستاهای اطراف چاپشلو عبارتند از: بنگی قلعه، قلعه مینا، بشارت، بیات، ایلانجق، حسین آباد، کالو و کلاته - کندی. در این منطقه اکثریت دهقانان کم زمین هستند. محصول اصلی گندم است که به علت کمبود آب اغلب بصورت دیم کشت می شود. بینه و میوه های نظیر خربزه و هندوانه از محصولات دیگر چاپشلو هستند. مقدار کمی جویز به عمل می آید که کفاف دام های دامداران را نمی کند و دامداران با اجبار مقدار زیادی جورا از اطراف مشهد و سایر نقاط می خرند. در این روستا تعدادی قنات وجود دارد که به علت عدم لایروبی بدون مصرف مانده اند. به علت همین کمبود آب هر سال از سطح زیرکشت بعضی از محصولات گاسته می شود و روستائیان با مشکلات زیادی دست به گریبان هستند. آب های قناتی بصورت دوره ای (مداری) و به نوبت ثابت برای آبیاری استفاده می شود. گاهی فاصله دو نوبت آن ها (یک مدار) به ۲۱ روز می رسد و حداقل آن از ۱۷ روز کمتر نیست. این به خوبی نشان دهنده کمبود آب است.

در این مورد کمک به لایروبی و حفر جاه و زدن موتورهای آب یکی از مشکلات حیاتی این روستائیان را حل خواهد کرد. قنات عباس آباد به هزینه جهاد سازندگی در حال لایروبی است که هنوز تمام نشده. ولی در این زمینه، منطقه چاپشلو به کمک وسیع و همه جانبه ارگان های مسئول ودولت احتیاج مبرم دارد تا بتواند در جهاد کشاورزی وسیعا شرکت کند.

گرانی هزینه دفع آفت، مشکل بزرگی است. هر ساله مقدار زیادی از محصولات زحمتکشان این منطقه به علت آفت زدگی از بین می رود. متلاجرایی که نوعی آفت مخصوص نقاط کم آب است، همساله باعث نابودی و نامرغوبی محصولات بینه و خربزه و انگور دهقانان می شود. نبودن و گرانی تلیمه سمیاشی در این مورد مشکل دیگری است که بر دوش این زحمتکشان فشار می آورد. ما

نبرد علیه رژیم خونریز صدام مزدور داشته باشیم. رونوشت ۱- سیاه پاسداران انقلاب اسلامی ایران (بندر عباس) رونوشت ۲- ستاد بسیج مستضعفین.

نیروهای مزدور صدام امریکایی دفاع کنیم. ضمن این که حمله نیروهای بعثی - امریکایی را محکوم می کنیم، لذا خواهشمندیم نماینده های رابه روستا فرستاده تا با تعلیم و آموزش نظامی آمادگی جهت

افتاده اند و در نتیجه مقداری از گندم ها را به هدر می دهند. تعداد تیلرها ی درو نیز در منطقه کم است به طوری که درو با این وسیله هکتاری ۴۰۰ تومان برای دهقانان هزینه در بردارد. یکی از اهالی می گفت: " پنج هکتار گندم گاسته بودم، وقتیکه دیدم بایستی ۲۰۰۰ تومان برای درو بدهم در حالیکه به علت کمی بارندگی امسال محصول خیلی کم شده و درآ مد حاصله نیز اندک است ناچار شدم به گوسفند داران به ۱۰۰۰ تومان بفروشم. با تعاونی کردن تولید در روستاهای این بخش می توان به بازده تولید افزود و دهقانان را از توان مادی بیشتری برخوردار کرد. در شرایط حساس فعلی که رژیم تجاوزگر صدام حسین انقلاب

که می خواهیم محصول هر چه بیشتری در داخل کشور تولید کنیم و از واردات بی نیاز شویم، باید این مسائل را جدا حل کنیم. به علت وسیع بودن زمین های زیر کشت و کمبود تراکتور در روستای چاپشلو، هزینه کشت گندم بسیار گران تمام می شود. بطوریکه تا هکتاری ۲۰۰ تومان می رسد. امسال جهاد سازندگی دو عدد تراکتور در اختیار این بخش گذاشت که با هزینه کمتری زمین را برای دهقانان شخم بزند. ولی این تنها درصد بسیار ناچیزی از درد را علاج کرد. کمبود کمباین و دیگر وسایل درو و برداشت محصول نیز مشکل دیگر است. همه ساله چند کمباین را از دشت گرگان و ترکمن - صحرا می آورند که اغلب خراب و از کار -

وام های کشاورزی را بصورت جنسی و خدماتی بموقع و بطور جمعی، بنحویکه در تولید مؤثر باشد. به شورای ده و به تعاونی ها برسانید.

محاكمة «گروه چهار نفره» در چین نمایانگر ادامه مبارزه بخاطر قدرت در درون رهبری کنونی چین

جریان دادگاه ویژه یکه، که به پرونده "گروه چهار نفره" رسیدگی می‌کند، همچنان ادامه دارد. در نخستین جلسه دادگاه، کیفرخواست دادستان ویژه دادستانی کل چین علیه گروه ضد انقلابی لین بیاو و چیانگ چینگ (همسر مائوتسهدون) و یازده نفر دیگر قرائت شد. برابری کیفرخواست دادستان ویژه، گروه چهارنفره و دستیاران آنان متهم به اعمال فشار و پیگرد رهبران حزبی و کارمندان عالی‌رتبه دولتی، برپوشاندن ساز و متحت تعقیب قرار دادن عده زیادی از کارکنان حزبی و کارمندان دولت وتوده های وسیع مردم و سرانجام تدارک کودتای مسلحانه ضد انقلابی هستند. در این دادگاه ویژه، از متهمان فقط ده نفر حضور دارند و شش نفر دیگر آنان درگذشتند.

در کیفرخواست ذکر شده است که جنایات این گروه به طور عمده در سالهای "انقلاب فرهنگی" (که خود مائو-تسهدون مبتکر و الهام بخش آن بود) جریان آن را شخصاً رهبری می‌کرد) انجام گرفته است.

با این حال در کیفرخواست از شماره قربانیان سال‌های "انقلاب فرهنگی" ذکر شده است، اما در آن خاطر نشان شده است که چیانگ چینگ، (همسر مائو) و گروه وی مسئول مرگ ۲۵ هزار نفر و پیگرد و تبعیدوزندانی شدن متجاوزان صد هزار نفر هستند. در کیفرخواست اتهامی در مورد سوء قصد به جان مائو تسهدون وجود دارد و در جریان دادرسی، به این اتهام برجستگی خاصی داده می‌شود. بدون تردید خداجانند چنین اتهامی در کیفرخواست، به فرض صحت آن، نه به خاطر تشدید مجازات متهمان، بلکه هدف کاملاً دیگری دارد. بر دارد. سازمان دهندگان این داد-رسی، علاوه بر هدف‌های دیگر تصد دارند که مسئولیت تمام بیامدهای فاجعه آمیز "انقلاب فرهنگی" و دیگر "آزمایش‌های ورشکست شده مائو را به گردن همسر و دستیاران وی بیندازند، تا بدینوسیله مائو را تبرئه کنند و حتی او را از قربانیان توطئه های ضد انقلاب جلوه دهند!

لازم به یادآوری است که "گروه چهارنفره" در سال ۱۹۶۶ (۱۳۵۵) پس از مرگ مائو تسهدون به اتهام فعالیت ضد انقلابی و توطئه علیه حزب کمونیست و دولت چین دستگیر شده

«بهشت!» ضیاء الحق

چند روز پیش، حیرت‌انگیزانه اسلام آباد (پاکستان) گزارشی دادند که ضیاء الحق، دیکتاتور پاکستان، در کنفرانسی از نویسندگان آن کشور، خطاب با آنها گفته است: "از تصور آزادی بپرهیزید، زیرا درجایی یافت نمی‌شود". البته اگر منظور از "جایی" قلمرو حکومت خودا بوده، شاید دیگر جای بحث باقی نمی ماند. ولی، نه، ضیاء الحق در کمال تواضع از می‌افزاید: "پاکستان از نظر آزادی در مقایسه با سایر کشورهای جهان سوم بهشت است!" ژنرال ضیاء الحق، هنگامی که به درفشانی درباره "آزادی" در پاکستان می‌پردازد که موج ناراضی مردم در کشور همسایه به ما علیه سلطه شوم او و رودسته اش وسعت میگیرد دور زبیر دیکتاتوری پاکستان هر چه بیشتر به اقدامات اختناق آمیز خود می‌افزاید. همین چند روز پیش، سردار شاه، قاضی برجسته پاکستان و عضو پیشین دیوان عالی آن کشور، که از "بهشت" ضیاء الحق مجبور به فرار به افغانستان شده است، در مصاحبه ای مطبوعاتی در کابل از جنایات ضیاء الحق پرده برداشته و، از جمله، گفت:

«رژیم دست نشانده ضیاء الحق، که با مخالفت روزافزون مردم این کشور روبروست، روز بروز شدت سرکوب می‌افزاید. سردار شاه، ضمن اشاره به موارد مشخص نقض خوشنیتها ر موازین دمکراتیک بنفیان نموده، خاطرنشان ساخت که یلیس ضیاء الحق "حتی به کنگره" حقوقدانان نیز حمله ور شده است. "فرمانروای "بهشت آزادی" گویا فراموش کرده است که خود او با زیر پا گذاشتن قوانین موجود پاکستان، بیش از سه سال پیش حکومت قانونی لفظاً علی بونورا از طریق کودتای نظامی ساقط کرد. در دوران حکومت ضیاء الحق همه سدیگاها و احزاب مخالف ممنوع شدند و حقوق و آزادیهای دمکراتیک، از جمله حق اعتصاب و اجتماع و آزادی مطبوعات لغو گردید. ضیاء الحق، که نخست رباکارانه وعده برگزاری انتخابات آزاد را میداد، چند سال پس وعده را به تعویق انداخت و اکنون نیز دیکر سخنی در اینباره بر زبان نمی‌آورد. ضیاء الحق، بزور به مسلمان‌نمایی رهنوایش در حمله به بینا لیلی، در حدود پاکستان نیز همواره کوشیده است تا با سوءاستفاده از نام اسلام، سرکوبگرهای مستبدانه و سیاست‌های واپس‌گرایانه خود سرپوش گذارد. وی در سخنرانی پیشگفته خود در "کنفرانس نویسندگان نیز بار دیگر به این ترسندست زد و آنها را فخر خواند تا "قلمها یمان را در خدمت اسلام" بکار برند. اما مردم پاکستان هم بخوبی میدانند که اسلام ضیاء الحق همان اسلام آمریکائیست. ضیاء الحق برای آنکه "مسلمانی" خود را بشناسد، حتی برای تکمیل "فن سلاق زنی، قطع اعضای بدن، سنگسار و اعدام های عمومی، از عربستان سعودی یکی دیگر از مراکز اسلام آمریکایی - مشاور

کند. رشد اسلام خمینی که محور اصلی آن را مبارزه بر ضد امپریالیسم، بخصوص امپریالیسم آمریکا و ایجاد جامعه ای به سود کوخ نشینان و مستضعفان تشکیل می‌دهد، به نفع هیچ "خطری" برای اتحاد شوروی در بر ندارد، بلکه مورد پشتیبانی اتحاد شوروی است. اسلام خمینی، چنانکه هر روز جرمی می‌بینیم، برای آمریکا و دستیاران و دست نشانده گانش خطرناک است و درست بهمین دلیل با تمام نیروی شیطانی خود برای نابودی آن توطئه می‌کند.

هدف خارجی، یعنی اطمینان دادن به آمریکا و اروپای غربی و زاین در مورد این که "افراط کاریها" در چین به پایان رسیده و سال‌های "انقلاب فرهنگی" تکرار نخواهد شد. یعنی آنها با اطمینان می‌توانند روی چین، به عنوان یک طرف قابل اعتماد و بسا ثبات، حساب کنند.

هدف دیگر آن به پایان رساندن جریان مبارزه درونی رهبری برای کسب قدرت به نفع تنگ شیائوپینگ و گروه طرفدار وی است.

بنا به عقیده روزنامه‌های ژاپن، هر یک از مواد کیفرخواست علیه "گروه چهارنفره"، نه تنها ده نفر متهم حاضر در دادگاه را در بر می‌گیرد، بلکه صد طور غیر مستقیم پای هواکوفنگ، صدر حزب کمونیست چین را نیز به میان می‌کشد. و شاید هدف اصلی این دادگاه، که به کارگردانی تنگ شیائوپینگ اداره می‌شود، بیش از محکوم کردن و به مجازات رساندن متهمان حاضر در دادگاه، وارد کردن ضربه نهایی به هواکوفنگ و گروه او و هموار کردن راه برای رسیدن تنگ شیائوپینگ به آخرین پله قدرت باشد. بررسی مراحل جداگانه این تلاش از جانب تنگ شیائوپینگ برای بیرون راندن رقبای خود از میدان مبارزه بر سر قدرت، موید این امر است.

در فوریه سال ۱۹۸۰ (بهمن ماه ۱۳۵۸) در جریان برگزاری پنجمین کمیته مرکزی حزب کمونیست چین، تنگ شیائوپینگ موفق شد که وان تنگ‌نینگ، معاون صدر کمیته مرکزی حزب و سه تن دیگر را، که در سال‌های اوج "انقلاب فرهنگی" به قدرت رسیده بودند و از هواداران هواکوفنگ بودند، از مقام های رهبری برکنار کند و بدین ترتیب مواضع هواکوفنگ را در رهبری حزب تضعیف نماید.

در اجلاس نوبتی مجلس نمایندگان خلق چین، که در پاییز سال جاری

شود و بیشتر این سوال پیش می‌آید که: چرا این جزوه با زهم در لحظات حساس تر، که به قضاوت تاریخ، در کاپر روزها را میتوان از هشدارهای مسئولانه ما در همان نامه سرگشاده دید، تکرار شود. تذکر این نکته لازم است که حداقل توقع از یک هیئت مسئول این است که: در جواب به نکات و انتقاداتی که از سر دل سوزی و با متانست. و وقار انقلابی اعلام می‌شود، ایشان نیز همانگونه رعایت این اصول را بنمایند، که هر برخوردی جز این، فقط تفرقه اندازی، تشنج جو و گل-آلود شدن آب به سود دشمنان انقلاب است، که نهایتاً امپریالیسم از آن بهره خواهد گرفت.

تفرقه اندازی

بقیه از صفحه ۴

۵۹/۶/۶ فرستاده شده بود. و با خواندن این نامه، می‌توان شناخت صحیح حزب ما را از شرایط کنونی درک کرد. جزوه ای سرایا توهین و افترا در سطح شهر، با امضای پیر مسئولیت "هیئت پاکسازی آمورش و پرورش استان بوشهر" منتشر کرده است، که مجدداً بعد از اوج گیری تهاجمات نظامی مزدوران بعثی از هوا و زمین و دریا، دوشنبه ۵۹/۷/۱۲ نیز تکرار گردیده است، که هر اسان بی‌عرض و مومن به انقلاب را به تعجب وامیدارد، که در چنین شرایطی، با توجه به مواضع اعلام شده حزب توده ایران، که به شهادت اسناد حزبی و صفحات روزنامه "نامه مردم"، همواره در جهت تأکید و حفظ دستاوردهای انقلاب شکوهمند صدامیرالیستی و خلقی ایران به رهبری امام خمینی بوده است و بیگیری و پشتیبانی ما در این امر بر مسئولان امور نیز پوشیده نیست، چرا باید با چنین پاسخی روبرو

تفسیر سیاسی

شبه از صفحه ۳

ایران و خلق های مسلمان اتحاد شوروی را قطع کرد. این سیاست با شرکت هر چه بیشتر در دوران سلطنت محمدرضا ادامه یافت. ولی مردم جمهوری های مسلمان اتحاد شوروی، بخصوص آنها که هم مرز ایران هستند انقلاب اسلامی ایران را، که به گفته لئونید برژنف یک انقلاب سردمی، ضد امپریالیستی و آزادی بخش است، با احساس شادمانی و مسرت استقبال کردند. خلق های مسلمان اتحاد شوروی امیدوارند که این انقلاب بتواند موجب تقویت پیوند های تاریخی و فرهنگی دیرین بین آنها و خلق های ایران گردد. متأسفانه محافل معینی در ایجاد و گسترش پیوندهای دوستانه سنی سنی خلق های مسلمان اتحاد شوروی و ایران اختلال کرده اند و می‌کنند، در حالی که اتحاد شوروی خواهان برقراری روابط هر چه نزدیک تر بین خلق های مسلمان شوروی و ایران است.

پس رشد انقلاب اسلامی ایران برای اتحاد شوروی، که در کشور خود به هر گونه استوار و وسیع‌المنتهی ملی و اخلاقی آزادی، ملی و مذهبی پایان داده است، هیچ "خطری" ایجاد نمی‌کند. آن اسلامی که رشدش برای تمام خلق ها و بیش از همه برای خلق ایران خطرناک است، اسلام سعودی و اسلام ضیاء الحق و اسلام سادات، یعنی اسلام آمریکایی است که می‌خواهد انقلاب ایران را حقه

تا مه "مردم" از مسئولین کشور و بویژه وزیر جدید آموزش و پرورش، حجت الاسلام دکت با هنرمی خواهد که با بررسی مسئله، اجازه ندهند کسانی دانسته و ندانسته با امضای بر مسئولیتی چون "هیئت پاکسازی"، به روش های نادرست در پاکسازی دست بزنند و در راه اتحاد نیروهای انقلابی، در شرایط حساس فعلی سنگ بینند.

وارد کرده است! یکی از اهداف عمده رژیم ترور و اختناق پاکستان همواره حزب کمونیست پاکستان بوده است، که از سال ۱۳۳۳ تاکنون در شرایط مخفی می‌رزد. جلادان ضیاء الحق، در تاریخ ۱۸ مرداد ۵۹ رفیق نظیر عباس، عضو کمیته مرکزی حزب کمونیست پاکستان را، پس از شکنجه های دهشت بار، به شهادت رسانیدند. از سوی دیگر، جام ساکی، عضو هیئت سیاسی کمیته مرکزی "حزب" بیش از دو سال ونیم است که در بند زخمین ضیاء الحق بسر میبرد، و بگواهی چندین زندانی، برانستر شکنجه های وحشیانه، جان در خطر است. علاوه بر "حزب کمونیست پاکستان" دیگر نیروها و احزاب ملی، مترقی و دمکراتیک و همچنین مسلمانان انقلابی راستین نیز آماج سرکوبگریهای رژیم ضیاء الحق قرار گرفته اند و در مبارزه برای برانداختن بساط دیکتاتوری او شرکت میکنند.

در شهریور ماه پیش، رهبران مهم ترین احزاب پاکستان برای هماهنگی اقدامات خود در جهت لغو حالت فوق العاده و اعاده دمکراسی به کشور در کراچی تشکیل جلسه دادند. چند روز پس از این جلسه، مردم در تظاهرات و راهپیمایی، که در نقاط مختلف پاکستان، از جمله در بلوچستان پاکستان صورت گرفت، با شعارهای "مرگ سر دیکتاتوری" و "سرتگون باد رژیم دست نشانده ضیاء الحق" نرفت خود را از سیاستهای حکومت سرسپرده اعلام داشتند.

جندی بعد، حزب دمکراتیک ملی پاکستان، در بیانیه ای اظهار داشت: رژیم ضیاء الحق تلاش بیشمارانه می‌ورزد تا زیر نام مقدس اسلام، دمکراسی را در کشور ما نابود کند، در حالیکه، اقدام های این رژیم کاملاً با اسلام مغایرت دارد.

اینست تنها گوشه ای از "بهشت آزادی" ژنرال ضیاء الحق اجنبین نمی نماید که دیکتاتور پاکستان نیز در این "بهشت" خود ساخته جنسدا ن احساس امن کند، چه خود و در سخنرانی گذاشتن دم خروس را نشان میدهد و میگوید: "پاکستان آنقدر که از داخل با عناصر مخرب ایدئولوژی روبروست، در معرض خطر مرزی قرار ندارد".

اینکه هیچ یک از همسایگان پاکستان خطر مرزی برای این کشور پدید نیارده اند، بلکه این خود پاکستان است که سالهاست، بدستور ربا بان آمریکا بی و مشاوران جینی خود، به تحریک علیه جمهوری دمکراتیک خلق افغانستان، جمهوری اسلامی ایران و هندوستان مشغول است، واقعیتی است آشکار، اما در مورد "عناصر مخرب ایدئولوژی" باید گفت، چنانکه تجربه مبارزات خود ما با رژیم جنایتکار محمدرضا پهلوی نشان میدهد، این نیز برای دیکتاتورهای چیز جدید نیست، که مخالفان خود، یعنی خواستاران استقلال و آزادی را، "خراکار" بخوانند و آنها را با اتهام "مخرب ایدئولوژی" سرکوب کنند. ضیاء الحق "بهشت" پرور نیز از این قاعده مستثنی نیست.

برقرار باد اتحاد همه نیروهای ضد امپریالیستی و دمکراتیک در جبهه متحد خلق

در جلسه علنی دیروز مجلس گفته شد:

مبادا مسیر انقلاب منحرف شود!

اتحاد عامل پیروزی و نفاق باعث شکست است

در جلسه علنی دیروز مجلس شورای اسلامی، که به ریاست علی‌اکبر پرورش تشکیل شد، عده‌ای از نمایندگان به جریان‌های اخیر اصفهان اعتراض کردند و خواستار رسیدگی به مسائلی که در این شهر روی داده است، شدند. در آغاز این جلسه، فومنی حائری نماینده فومن، به‌عنوان اولین ناطق پیش از دستور، درباره مبارزات مردم سخن گفت. وی از جمله اظهار داشت:

«فرد انقلابی اگر تجربه‌های گذشته را پیش روی خود داشته باشد، تقوی مانع اشتباه دوباره او می‌شود.»

ناطق سپس ضمن اشاره به دوران استبداد قاجار، مبارزات مردم و رهبران آن علیه حکومت قاجار، به‌تشریح شرایط آن دوران پرداخت و افزود:

«در آن دوران فرنگ‌پرگشته‌ها در کنار ملت و روحانیت هنگام انقلاب شدند، ولی بعد از پیروزی انقلاب زمره‌ها شروع شد... رهبر این‌ها تفرقه‌ها بود. آن‌ها معیاری را بعد از پیروزی انقلاب زمره کرده‌اند که اثرات خردکننده‌ای بر دوران بعد گذاشت... آن‌ها می‌خواستند روحانیت را متزوی کنند و بعد خودشان به‌کارها برسند... علیه روحانیت همه‌جا شایه پخش کردند. آنوقت کلمات فالانژ و انحصارطلب که نبود، جای‌اش گفتند: امل و فتایک!»

نماینده فومن در ادامه سخنان خود گفت: «وقتی طباطبائی‌ها، رهبران انقلاب سرخود را به زمین گذاشتند، تفرقه‌ها تفرقه‌ها شروع شد... چیزی نگذشت که رضاخان میرباج آمد و با یک‌گودتای انگلیسی خون شهدای انقلاب مشروطیت را پایمال کرد.»

فومنی حائری در پایان هشدار داد که: «مبادا این انقلاب مسیرش منحرف شود. البته که نخواهد شد، با آن رهبری و آن ملت و شور و هیجان و شناختی که دارد.»

مسلم میرزاپور، سخنران بعدی پیش از دستور، درباره وحدت و روحانیت سخن گفت. وی از جمله اظهار داشت:

«یکی از بزرگترین عواملی که ملت‌رایبروز کرد، وحدت بود. اتحاد همیشه عامل پیروزی و نفاق عامل شکست است... امیداست امر امام در مورد اتحاد عملی شود.»

میرزاپور آنگاه درباره روحانیت و مسیر آموزش روحانیون سخن گفت و تأکید کرد که روحانیت به جامعه اتصال دارد و به‌عنوان راهنمای مردم سرمد شده است.

اعتراف به درج مطالب جلسات سری مجلس

نایب‌رئیس مجلس همچنین اعلام کردند که نمایندگان ارمنه در مجلس از ارمنه کشور خواسته‌اند که به علت وضع خاص کشور اسامیل عید نگیرند. پرورش به همین مناسبت از ارمنه و کلیه مسیحیان کشور تشکر کرد.

آنگاه حسن آیت به درج مطالب جلسات سری مجلس در روزنامه انقلاب اسلامی اعتراض و تأکید کرد که آن مطالب تحریف هم شده‌بود.

سپس طرح پیشنهادی عده‌ای از نمایندگان در مورد تربیت تکنیسین بهداشتی در روستاها، که به کمیسیون بهداشتی مجلس ارائه شده بود، برای شور اول تقدیم مجلس گردید.

آنگاه سئوال چندتن از نمایندگان از وزیر دادگستری قرائت شد. این سئوال که توسط «محوه برخورد با دو نفر از شرکت‌کنندگان در بحث آزاد تلویزیون کانال ۲» بود.

پاسخ وزیر دادگستری مورد قبول سئوال‌کنندگان قرار نگرفت و سئوال به کمیسیون سئوال‌ات ارجاع یافت.

آنگاه به‌تصمیم نمایندگان، جلسه مجلس برای شنیدن اخبار مربوط به جبهه‌های جنگ، بطور غیرعلنی به کار خود ادامه داد.

رسانه‌های گروهی شوروی تلاش امپریالیست‌ها را برای مداخله در امور کشورهای سوسیالیستی محکوم کردند

خبرگزاری شوروی تاس نیز کوشش‌هایی را که هنگام باسلاح هفت آتلانتیک، در جهت فشار به لیبستان سوسیالیستی انجام گرفت، مورد انتقاد قرار داد و آنها را بی‌فایده خواند.

همچنین روزنامه کراسنیا آوزودا (ستاره سرخ) عملیات گسستی هواپیماهای جاسوسی آمریکا را در مجاورت سرحدات غربی کشورهای جامعه سوسیالیستی، که بتازگی آغاز شده است، یک مفسده‌جویی آشکار خوانده است.

چگونه میتوان از خون شهیدان توده‌ای شرم نکرد؟

تهرانی، دژخیمی که بر اجساد شهیدانی که زیر شکنجه‌های وحشیانه‌اش قطعه قطعه شده بودند، رقص شادی می‌کرد، وقتی بدام انقلاب افتاد، با افتخار سینه سپر کرد و گفت:

«من توده‌ای‌ها را می‌کشم. وظیفه‌ام را انجام می‌دهم. آنها خائن بودند.»

سپس با تاملاتی از مجرایان اصلی کودتای ام‌سی‌کائی ۲۸ مرداد، همین چند روز پیش در دادگاه انقلاب گفت که برای خدمت به میهن، توده‌های «اجنبی» و «خائن» را کشته است، تا «وطن» را نجات دهد.

این سخنان، که از دهان شوم دژخیمان تاریخ بیرون می‌آید، تا زگی ندارد.

۲۵ سال تمام جلادان خلق ایران، از شاه تا نصیری و پختیار، از لایبی تا زیالی و منوچهری از توده‌های دشنام داده‌اند و افترا زده‌اند.

۲۵ سال تمام منظومه‌های از ارواح خبیثه ساواک و دربار پهلوی، در همان حال که ذره‌ذره خوک وطن را در ازای زندگی حیوانی خود به امپریالیسم می‌فروخته‌اند، توده‌های را «خائن» و «جاسوس» خوانده‌اند.

۲۵ سال تمام، دستگاه عریض و طویل تبلیغاتی شاه، خوارها کاند علیه حزب توده ایران سیاه کرد و توده‌ای را «مستون پنجم» خواند.

جلادانی چون مصر، در بیدارگاه‌های نظامی شاه، رفیق شهید وزیربان را، که در لحظه اعدام می‌گفت:

«من بخاطر آزادی وطن می‌میرم. دستهایم را نیندیده‌ام تا لرزش دست دژخیم را به‌بینم.»

دژخیمی چون سرهنگ زیبایی، در همان حال که قطرات خون رفیق خسرو روزبه از انگشتانش جاری بود، قهرمانی را که یک تنه فضای خفقانی و خونین بعد از کودتا را باخروش خود دردم شکست و شاه را بر آریکه قدرت لرزاند، «خائن» می‌خواندند.

شاید بزرگ روزبه، در بیدارگاه، زیر سایه سرنیزه‌ها فریاد می‌زد:

«من در عشق وطنم شعله‌ورم. من بخاطر آزادی میهنم مرگ را انتخاب کرده‌ام.»

و جلادان صف در صف «بی‌ولنتی» خطاب می‌کردند.

آرسن در قتل‌خانه خونخوار قطره قطره و جانش را ذره‌ذره نثار ایران می‌کرد و زیر مته برقی فریاد می‌زد:

«من برای آزادی ایران مبارزه می‌کنم. از مرگ هراسی ندارم.»

و گروهان ساقی جلاد بانگ می‌زد: «حرف‌بزن توده‌ای خائن.»

حکمت‌جو در زیر سنبه‌های تهرانی کمرش دردم می‌شکست، دستهایم سلاخی میشد، پاهایم را می‌بردند و فریاد می‌زد:

«زنده‌باد ایران، زنده‌باد حزب!»

و تهرانی به روزنامه‌ها اشاره می‌کرد، بنویسید: «یک توده‌ای بی‌وطن بنام پرویز حکمت‌جو در زندان خودکشی کرد.»

فریدون ابراهیمی بدست‌خود، طناب‌دار با تاملاتی جبارا بر گردن انداخت و فریاد زد:

«جلادها من آمده‌ام. طناب را بکشید. زنده‌باد ایران.»

و قاتل او و ۲۰ هزار رزمنده دیگر، ۳۰ سال بعد در دادگاه گفت: «من توده‌های بی‌وطن را قاروار می‌کردم.»

چکمه‌پوشان شاه در بیدارگاه‌های شومشان، زیر سایه سلسله‌های حجری‌ها، عوالمی، شلوتکی‌ها، ذوالقدرها، ذقزاده‌ها، گیمش‌ها و صفرخان‌ها را به زندان‌های ابد می‌فرستادند و جرم آنها را «خیانت» اعلام می‌کردند.

و این تنها سرفصل‌های تاریخ خونینی است که هزاران قربانی و زندانی از اشاق صفحات آن فریاد می‌کنند.

۲۵ سال تمام جلادان امپریالیسم و ارتجاع توده‌ها را به رگبار مسلح می‌بستند و آنها را «خائن» می‌خواندند.

۲۵ سال تمام گرازهای شاه، شکنجه‌گاه را از خون توده‌های رنگ‌میزدند و آنها را «بی‌وطن» خطاب می‌کردند. و تاریخ ورق

مواضع دشمن...

خبر، ۴ نفر شهید و ۲ نفر مجروح شدند. همین گزارش خاکبست که بر اثر شلیک توپخانه دوردرد دشمن جای‌تکار به مناطق مسکونی اهواز نیز ۳ نفر شهید و ۱۳ تن مجروح شدند.

خبرنگار دفتر مرکزی خبر از سوسنگرد نیز گزارش داد:

در این جبهه رزمندگان انقلاب با برتری قدرت آتش، دشمن را زیر ضربات گرفتند. بر اثر آتش خمپاره‌اندازهای برادران جان‌پرکف سپاه پاسداران و ارتش جمهوری اسلامی ایران در این جبهه تا ساعت ۱۸ روز یکشنبه تعداد ۱۷ عدد از سنگرهای دشمن نابود شدند.

در جبهه‌های غرب

دفتر مرکزی خبر، به نقل از یک مقام آگاه در روابط عمومی استانداری ایلام، گزارش داد:

در روزهای ۲۰ و ۲۱ آذرماه گروه چریکی رزمندگان مسلمان شاخه بسیج استن ایلام، با نفوذ در جبهه دشمن، موفق شدند در یک عملیات ۱۴ ساعته، ۳ خودرو، یک نفر زرهی، یک تانکر آب و یک جیب را با سرنشینان آن منهدم کنند. همچنین این رزمندگان در عملیات موفقیت‌آمیز خود با نفوذ در خاک عراق، پل تدارکاتی مزدوران صدام را در منطقه ارتباطی دشمن منهدم کردند. برپایه این گزارش، این گروه چریکی بدون هیچگونه تلفاتی سالم به پایگاه خود بازگشتند.

خبرگزاری پارس نیز، به نقل از روابط عمومی سپاه پاسداران انقلاب اسلامی ایران، گزارش داد:

در درگیری‌های شدیدی که بر سرروز (یکشنبه) بین نیروهای مدافع انقلاب اسلامی و مزدوران عراقی در منطقه مهران روی داد، برادران پاسدار موفق شدند یک مسووع خمپاره‌انداز و مقدار زیادی از مهمات دشمن را منهدم و تعدادی از مزدوران رژیم صدام را به هلاکت برسانند. در این درگیری‌ها تلفاتی به نیروهای مدافع انقلاب وارد نشد.

واما...

واما... شرم نمی‌کنند آنان که با جلادان خلق ما و دشمنان انقلاب ما هم‌سخن میشوند؟ چگونه میشود انقلابی بود و روزبه را «خائن» خواند؟ چگونه میشود مین‌دوست بود و وارطان و گوجاش و وشتی را «وطن‌فروش» دانست؟ چگونه میتوان ایرانی‌برد و افسران شهید توده‌ای را «مستون پنجم» نامید؟ این کدام «اخلاق» است که به تو اجازه می‌دهد، رفیق عسکر دانش را، که در قلعه شهید، در امامزاده سمنان، در کنار شهیدان مسلمان آریمده است، «مستون پنجم» بخوانی؟ این کدام قلم است که بخود جرئت میدهد رفیق ذوالفقاری را، که مرده قهرمان شریاز پیکر کلسکوتش را هسراه ۷ شهید مسلمان تشییع کرده‌اند، «وطن-فروش» خطاب کند؟ این کدامین دهان است که رزمندگان را که هم‌اکنون در جبهه‌ها در خون و آتش غرقند، «خائن» می‌خواند؟ این کدام سلسک سیاسی و دینی است که اجازه میدهد، ۲۰ سال اپنار، ۴۰ سال شهادت، ۲۰ سال نبرد هزاران شهید، قدمی‌ترین زندانیان دنیا و گروهی‌از جنبه‌ترین رزمندگان جبهه را «خائن» خطاب کند؟

آنان که این لفظ را تکرار می‌کنند - روی سخنان با امپریالیسم، با ارتجاع، با زرخیان، با ضدانقلاب و با مائوئیست‌ها نیست - از خون اینهمه شهید توده‌ای شرم نمی‌کنند؟

بیایید و از خون شهیدان توده‌ای شرم کنید! بیایید و عقربا حیات ننماید! بیایید و شهادت‌ترا و مان‌فروشی خطاب نکنید!

بیایید و ج‌نابزی را جاسوسی نام نگذارید! بیایید و از خون شهیدان توده‌ای شرم کنید! بیایید... بیایید که زندگان و اقرا پشید.

بیایید که حقیقت را می‌توان لجن پاشید، می‌توان به زندان انداخت، می‌توان تیرباران کرد، اما نمی‌توان آن را کشت. بیایید که پیروزی ما در اتحاد ماست.

این هفته در نامه مردم بزبان کردی میخوانید:

- امام خمینی: این مردم بودند که این دولت را روی کراوردند و این رئیس‌جمهور را رئیس‌جمهور کردند.

- توطئه تازه آمریکا علیه انقلاب و جمهوری اسلامی به مرحله عمل می‌رسد.

- خاطره ۱۶ آذر.

- توطئه جدید ضدانقلاب علیه حزب توده ایران: ضدانقلاب با نام حزب توده ایران اعلامیه پخش می‌کند.

- باند قسملو، عضو کمیته مرکزی و یک عضو دیگر حزب دمکرات کردستان ایران (پیران) کنگره چهارم را با اعدام محکوم کرده.

- پیام سازمان جوانان توده ایران به اتحادیه سراسری دانشجویان عراق (کوسیر)، به مناسبت تروزی یکی از اعضای آن بدست جلادان رژیم صدام.

- اعلامیه فدراسیون جوانان دمکرات عراق: جوانان عراق علیه رژیم متجاوز و جنگ‌افروز صدام مبارزه می‌کنند.

- قطعه‌نامه تجمع مردم مباداد.

- گروه «هاریون» از شد، عمو ساج! (طنز اجتماعی).

مروری بر نمایشگاه عکس «جنگ، جنگ است!»



نمایشگاه عکسی از جبهه‌های جنگ میهنی - مقاومت دلاوران رزمندگان ایران در برابر تجاوز نظامی امپریالیسم آمریکا، که به وسیله رژیم صدام انجام گرفته است - در دانشگاه تهران، از ۳۰ آبان تا ۳۰ آذرماه جاری برقرار است.

نمایشگاه، که عنوان «جنگ، جنگ است» را بر خود دارد، از جانب انجمن اسلامی دانشجویان دانشگاه تهران ترتیب داده شده است.

نمایشگاه مورد استقبال شور- انگیز رزمندگان پست جبهه واقع شده است. از جمله دسته دسته دانش‌آموزان مدارس تهران - هر روز از ساعت ۹ تا ۳ بعد از ظهر - به نمایشگاه می‌آیند و از نزدیک با جنایات امپریالیسم جهانی و بویژه آمریکا و دست‌اندرکاران رژیم صدام، در این جنگ تجاوزی و تحمیلی و نیز درس عبرتی که هم‌میهنان در مقاومت دلیرانه خود به دشمن می‌دهند، آشنا می‌شوند.

یکی از برپاکنندگان نمایشگاه، در گفتگو با خبرنگار نامه «مردم» در مورد هدف از برپایی نمایشگاه چنین می‌گوید:

«بعضی از برادران و خواهران ما، سعادت شرکت در جنگ را یافته‌اند. ما که در پشت جبهه ایم، باید کارهایشان را به مردمی که از جبهه دورند، نشان بدهیم،

تا اهمیت کارشان برای مردم معلوم شود. البته رادیو و تلویزیون هم همین کار را انجام می‌دهند، ولی ما هم وظیفه خود دانستیم که تمام نیرویمان را در خدمت جبهه بسیج کنیم.»

نمایشگاه با تصاویری از بهارن شهرهای جنوب و غرب کشور آغاز می‌شود، تصاویری که گویای رفیع و درد مردم ما و خث و شقاوتی است که مزدوران دست‌نکار جهانی، بر این مردم روا می‌دارند: عکس‌های مادران جنگ در گیسو انداخته، پدری که جسد کودکش را آندوهیار بر دست می‌برد، خانه‌هایی که ویران شده‌اند و تلاشی که مردم برای یافتن اجساد عزیزان خود از زیر آوار می‌کنند.

این خروش امام خمینی است که در فضای نمایشگاه طنین انداخته و بر زیرنویس عکسها نقشه است:

«ایران که خواسته است از هر جهت با این شیطان بزرگ قطع رابطه کند، امروز گرفتار این جنگهای تحمیلی است.»

جنگبر ما تحصیل شده‌است. مبین انقلابی ما مورد تجاوز ددخویان صدامی قرار گرفته است. دلاوران میهن ما که به اهمیت جهانی انقلاب خود واقفند و نیک می‌دانند که تداوم انقلاب و حفظ و تثبیت نظام جمهوری اسلامی ایران، زحی کاری بر تن فرسوده امپریالیسم فرود می‌آورد، سلاح برمی‌گیرند و چون تنی واحد، برای دفاع از میهن به جبهه جنگ می‌شتابند. تصاویر نمایشگاه، بیانگر غلیان احساسات شریف انقلابیون مبین دوست است: عکس‌های عشایر دلاوری که با یک دست سلاح و بدست دیگر مشت‌گره کرده خود را بسوی تجاوزکاران نشانده رفته‌اند. پاسداران و سربازانی که سلاح به دست در سنگر، برای نشان دادن هتسرس سلحشوریان ژانیه شماری می‌کنند. جوانانی که به جبهه اعزام می‌شوند. کودکان، ایران و جوانانی که خشم و نفرت خود از دشمنان بشریت و انقلاب را در سلاح‌هایی که بر دوش دارند، می‌رورند. روحانیت مبارز، که نقش انقلابی خود را در جبهه ایفاء می‌کنند.

دوشنبه شب، پیش از اخبار، بخشی دیگر از سریال تکان‌دهنده «سرخوستان‌های آمریکا» از شبکه اول تلویزیون پخش شد. در این سریال، که توسط «گروه جوان» سیما جمهوری اسلامی ایران، با استفاده از اسناد تاریخی و فیلم‌های سینمایی ساخته شده، جنایات موخس امپریالیست‌ها و بویژه یانکی‌ها در کشتار بیرحانه سرخوستان‌ها - این صاحبان اصلی قاره آمریکا - بصورت یک سند تاریخی، که لحظه لحظه آن با قتل‌عام کودکان، بزرگان، پیرمردان، زنان و مردان سرخوستان نوشته شده، ارائه می‌شود.

پیشگامان تلویزیونی در قسمت‌های قبلی با سلب تاریخی هجوم به قاره آمریکا، که پیشگامان آن استعمارگران پرتغالی و اسپانیایی بودند، آشنا شدند، و همچنان که پیش‌آمدند، با پاک کردن قاره از تمدن چهارشنبه شب گذشته تلویزیون شبکه اول نمایش کوتاهی را بنام «شادروان عباس آهنگر» پخش کرد. این نمایش، که علیرضا مجلل و جهانگیر الهامی نقش‌هایش را ایفا می‌کردند، به جنگ ارتباط داشت و نشان میداد که چگونه یک «آهنگر» در جنگ شرکت میکند.

نمایش، که نویسنده آن اسماعیل خلیج - چهره آشنای نمایشنامه‌نویس - است، در واقع اقتباس تازه‌ای از نمایشنامه دیگر خلیج است، که چندسال پیش، با نام «جمعه‌گشی»، اجراهای متعدد داشت. خلیج، که دارای استعداد درام‌نویسی در حد مطلوب بود، بویژه تسلط کاملی بر زبان کوچه و بازار و اصطلاحات و رسومات قهوه‌خانه - این محل تجمع قدیمی مردم ایران - داشت. این استعداد و تسلط، متأسفانه از آنجا که پشتوانه علمی‌نداشت، عمق نیافت و در سطح عادات و رسومات باقی ماند و در نتیجه شکل دلپذیر آثار خلیج از محتوا خالی شد. سپس در دوران خاصی این محتوا - بویژه در نمایشنامه‌های خلیج در «چشم‌هترب» سمت انحرافی پیدا کرد. اکنون، بار دیگر خلیج، این بار از طریق تلویزیون، به صحنه می‌آید. بنظر میرسد که خلیج گوشیده است انقلاب بزرگ ایران را دریابد و در جهت آن‌گام بردارد. این مایه خوشحالی است. اما هنوز هم - چنانکه نمایش کوتاه «شادروان عباس آهنگر» نشان میدهد - خلیج متأسفانه در سطح مانده است و شکل دلپذیر اثر او در خدمت محتوایی است که این بار - هرچند

نامه مردم

دردست عزیز ل. ق از قم، هدیه شما رسید.

مبوش یکسکه ربمی

علاقندگان می‌توانند کمک مالی خود را ب حساب بانکی به نام تقی کرمنش وبه شماره ۳۳۳۲ شعبه ۴۱۸ بانک ملی ایران (شعبه دهخدا)، خیابان شهید دکتر حسین فاطمی بپردازند.

نگاهی به جنگ سیاسی

شورای اسلامی، دو نقش جدی دیده می‌شود: اولین نقش مربوط به فیلمی بود که در آن از «هالو» بعنوان یک فرد «رادیکال» ستایش می‌شد و همه جنایاتی که مائوئیست‌ها، با رهبری مائو و پراساس نظریات او زیر پوشش «انقلاب فرهنگی» و «جبهه بزرگ» انجام دادند، به حساب «لیبرال‌های» چین نوشته می‌شد. باید گفت که این ارزیابی از موقعیت چین در گذشته و امروز، بکلی نادرست است و تفکیک هیئت حاکمه چین به دو گروه «لیبرال» و «رادیکال»، که مائو نماینده دومی باشد، برواقیت تاریخی منطبق نیست. امیدواریم تهیه‌کنندگان این فیلم، که با از جانب لیبرال‌ها انقلاب ایران را تهدید می‌کند، آن را تهیه کرده‌اند، از این پس به این واقعیت توجه کنند.

نقص دیگر «جنگ» این هفته در انعکاس مساجحه با خبرنگار شبکه تلویزیونی سی. بی. اس، آمریکا بود، که برای تهیه گزارشی از جبهه‌های نبرد، همراه خبرنگاران دیگر، به ایران دعوت شده، و طبق گزارش هم روزنامه‌های کشور، بازمه اخبار تحریف‌شده مخابره کرده‌است. در این مساجحه، که حتماً هدف از آن افشای شیوه عملکرد خبرنگاران امپریالیستی بود، خبرنگار آمریکایی معنی شد که، وسائل ارتباط جمعی آمریکا آماده انتشار اقیامات انقلاب ایران هستند، ولی چون دولت ایران مانع

سرخوستان‌ها هم «گروگان» گرفته بودند!

باستانی «اینکاه» و دیگر سرخوستان‌ها، از طریق تجارت و کشتار آنها، به دورانی رسیدند که دولت ایالات متحده آمریکا شمالی تاسیس شد. از این پس رابطه دولت آمریکا با سرخوستان چیزی غیر از کشتار و غارت نیست. سربازان آمریکایی به قبیله‌های سرخوستان حمله می‌کردند، و برخلاف معاهده‌هایی که خود با روسای قبایل امضاء کرده بودند، آنها را از زمینهای حاصلخیز می‌رانند. دولت آمریکا در واقع تخریب زمینهای سرخوستان و از میان بردن نسل آنها را در همه دوران‌ها - حتی در عهد آن روسای جمهوری، که به «دانشان درستی» معروف شده‌اند - هدف خود قرار داده است. و سرخوستان، که با این کشتارهای بیرحانه روبرو بوده‌اند، بناچار دفاع از خود پرداخته‌اند. ماجرای همین

نمایشنامه «شادروان عباس آهنگر»

رنگ و روی انقلابی دارد اما انقلابی نیست. نمایش کوتاه «شادروان عباس آهنگر» در یک قهوه‌خانه می‌گذرد. قهوه‌چی، که در لحن کشیدن کتف‌ها، تا زبان محاوره با مردم عشق و بکار بردن اصطلاحات، یادآور یک قهوه‌چی سنتی است. نزدیکترین دوست خود را در یک تصادف از دست داده است. هنگامیکه در یاد اوست، یک مشت‌ری که سر و روی خود را بیچیده، وارد میشود و بعد از آنکه قهوه‌چی مصلحاً دربارہ دوست فقیدش حرف می‌زند و گرمی می‌کند، معلوم میشود که مرد تازه وارد همان «عباس آهنگر» است، که در واقع در تصادف کشته نشده، و آنکه کشته شده، دوست دیگری است که شناسنامه عباس را برای گرفتن پول از بانک در جیب داشته‌است.

هانظور که گفتیم، هبته اصلی این نمایش، همان مضمون «جمعه‌گشی» است. بعد از اینکه گرم نمایش در اینجا پاژ میشود - و در این حد میشد آن را بعنوان یک میان‌برده پذیرفت - عباس آهنگر می‌گوید که قصد دارد به جنگ برود. می‌گوید که بعد از این حادثه بفکر افتاده که جنگ برود. قهوه‌چی می‌پرسد: چرا؟ و عباس آهنگر می‌گوید: نمیدانم. در محاوره نسبتاً طولانی در این زمینه، معلوم میشود که عباس آهنگر می‌خواهد این جبهه برود، اما نمیداند چرا می‌خواهد این کار را بکند. در پایان زیبای نمایش، وقتی قهوه‌چی کنار در قهوه‌خانه، مرغ عشق را آزاد می‌کند و به پشت سر خود می‌نکند

عباس آهنگر نیست. او را صدا می‌زنند. جوانی نمی‌آید. عباس آهنگر مانند مرغ عشق پرواز کرده و منظر به جبهه رفته است. و همین‌جاست که این شب از محتوای انقلابی خالی است. در شرایطی که میلیون‌ها ایرانی، آگاهانه به میدان‌های نبرد می‌روند، تا در راه دفاع از میهن انقلابی شهید شوند، در شرایطی که رزمندگان جبهه و پشت جبهه بدرستی آگاهی کامل به نبرد با امپریالیسم آمریکا می‌روند، «عباس آهنگر» نمایش «خلج» نمی‌داند چرا به جنگ می‌رود. او هدفی ندارد. در واقع تنها بخاطر اینکه دیگران فکر می‌کنند مرده است، به جبهه می‌رود. او هیچ آرمانی ندارد. و چنین است که قهرمان بی‌آرمان نمایش «عباس آهنگر»، علیرغم رنگ و روی ظاهری نمایش، مبلغ بی‌هدفی و بی‌آرمانی است و این یک اثر انقلابی نیست. می‌ماند یک سؤال، که پخش چنین نمایشی، که در نهایت حسن نیت، بعنوان یک «تجربه» قابل قبول است، در شرایط فعلی کشور چه ضرورتی دارد؟ آیا اکنون که همه نیروها در خدمت بسیج خلق علیه آمریکا است، نمی‌توان آثاری نیرومند برای بسیج توده‌ها بس نمایش درآورد؟

امیدواریم که اولین این نمایشها پاژ هم بقلم خلیج باشد و شرایط انقلابی بسبب شکوفایی استعداد او در سمت خدمت به توده‌ها برسد.

در جنگ عادلانه بر ضد رژیم صدام حسین و برای دفاع از میهن انقلابی شرکت کنیم

رود آنها میشود، قادر به این کار نیستند. این خبرنگار، بشیوه خبرنگاران جرائد آمریکایی، گستاخانه ادعا کرد که آمریکا در توطئه‌های ایران دست ندارد، همه مشکلات از «گروگان‌گیری» است و تهاجم نظامی آمریکا هم برای نجات «گروگان‌ها» بوده‌است. این خبرنگار ادعا کرد، هنگامیکه آمریکایی‌ها (یعنی جاسوس‌های آمریکایی) در ایران «اسیر» هستند، دانشجویان ایرانی بدون هیچگونه دردسری و با حمایت پلیس آمریکا در واشنگتن تظاهرات می‌کنند!

بینندگان تلویزیون منتظر بودند که بلافاصله این دروغ‌ها و نیرنگ‌های خبرنگار آمریکایی افشا شود. اما متأسفانه گوینده به گفتن جمله: «این البته ادعاهای خبرنگار آمریکایی است» بسنده کرد و وعده داد که در هفته آینده، با نشان دادن فیلم‌حمله پلیس آمریکا به دانشجویان ایرانی، خبرنگار را رسوا کند.

به نظر ما، در این قبیل برنامه‌ها، اگر بلافاصله دست دشمن روشن شود و با ارائه واقعیت، دروغ‌های بر ملا فکری، برنامه کارائی لازم را نخواهد داشت. از آنجا که در پشت این مساجحه فوری نبود، میشد آنرا تکذبات و با تهیه پاسخ‌آهن‌همچنین ارائه اخبار تحریف‌شده‌ای که همین خبرنگار از ایران مخابره کرده، بطور همزمان یکی دیگر از سیاست‌های امپریالیسم آمریکارا در پیشگاه توده‌ها رسوا کرد.

سرخوستان‌ها هم «گروگان» گرفته بودند!

دفاع از حداقل زندگی است که در فیلم‌ها و رمان‌های آمریکایی، «وحشیگری» و «آدمکشی» سرخوستان‌تباری شده است. سربازان نه تنها از اهمیت این تبلیغات، که در پشت خود نام‌های معروفترین کارگردانان آمریکایی، مانند «جان فورد» را دارد، پرده بر میدارند، بلکه بروشنی تمام درنده‌خوئی امپریالیسم را، که از ماهیت آن برمی‌خیزد، نشان میدهد.

مثل این است که سرخوستان‌های آمریکا هم «گروگان» گرفته بودند به این خاطر ناپدید می‌شدند!

ما پیشنهاد می‌کنیم که با پایان این سریال، برنامه‌هایی مشابه، درباره جنایات امپریالیسم آمریکا در حق دیگر اقلیت‌های این کشور، از قبیل سیاهان، پورتوریکنی‌ها، مکزیکی‌ها و... تهیه و از سیما جمهوری اسلامی ایران پخش شود.

نمایشنامه «شادروان عباس آهنگر»

چهارشنبه شب گذشته تلویزیون شبکه اول نمایش کوتاهی را بنام «شادروان عباس آهنگر» پخش کرد. این نمایش، که علیرضا مجلل و جهانگیر الهامی نقش‌هایش را ایفا می‌کردند، به جنگ ارتباط داشت و نشان میداد که چگونه یک «آهنگر» در جنگ شرکت میکند.

نمایش، که نویسنده آن اسماعیل خلیج - چهره آشنای نمایشنامه‌نویس - است، در واقع اقتباس تازه‌ای از نمایشنامه دیگر خلیج است، که چندسال پیش، با نام «جمعه‌گشی»، اجراهای متعدد داشت. خلیج، که دارای استعداد درام‌نویسی در حد مطلوب بود، بویژه تسلط کاملی بر زبان کوچه و بازار و اصطلاحات و رسومات قهوه‌خانه - این محل تجمع قدیمی مردم ایران - داشت. این استعداد و تسلط، متأسفانه از آنجا که پشتوانه علمی‌نداشت، عمق نیافت و در سطح عادات و رسومات باقی ماند و در نتیجه شکل دلپذیر آثار خلیج از محتوا خالی شد. سپس در دوران خاصی این محتوا - بویژه در نمایشنامه‌های خلیج در «چشم‌هترب» سمت انحرافی پیدا کرد. اکنون، بار دیگر خلیج، این بار از طریق تلویزیون، به صحنه می‌آید. بنظر میرسد که خلیج گوشیده است انقلاب بزرگ ایران را دریابد و در جهت آن‌گام بردارد. این مایه خوشحالی است. اما هنوز هم - چنانکه نمایش کوتاه «شادروان عباس آهنگر» نشان میدهد - خلیج متأسفانه در سطح مانده است و شکل دلپذیر اثر او در خدمت محتوایی است که این بار - هرچند

عباس آهنگر نیست. او را صدا می‌زنند. جوانی نمی‌آید. عباس آهنگر مانند مرغ عشق پرواز کرده و منظر به جبهه رفته است. و همین‌جاست که این شب از محتوای انقلابی خالی است. در شرایطی که میلیون‌ها ایرانی، آگاهانه به میدان‌های نبرد می‌روند، تا در راه دفاع از میهن انقلابی شهید شوند، در شرایطی که رزمندگان جبهه و پشت جبهه بدرستی آگاهی کامل به نبرد با امپریالیسم آمریکا می‌روند، «عباس آهنگر» نمایش «خلج» نمی‌داند چرا به جنگ می‌رود. او هدفی ندارد. در واقع تنها بخاطر اینکه دیگران فکر می‌کنند مرده است، به جبهه می‌رود. او هیچ آرمانی ندارد. و چنین است که قهرمان بی‌آرمان نمایش «عباس آهنگر»، علیرغم رنگ و روی ظاهری نمایش، مبلغ بی‌هدفی و بی‌آرمانی است و این یک اثر انقلابی نیست. می‌ماند یک سؤال، که پخش چنین نمایشی، که در نهایت حسن نیت، بعنوان یک «تجربه» قابل قبول است، در شرایط فعلی کشور چه ضرورتی دارد؟ آیا اکنون که همه نیروها در خدمت بسیج خلق علیه آمریکا است، نمی‌توان آثاری نیرومند برای بسیج توده‌ها بس نمایش درآورد؟

امیدواریم که اولین این نمایشها پاژ هم بقلم خلیج باشد و شرایط انقلابی بسبب شکوفایی استعداد او در سمت خدمت به توده‌ها برسد.

در جنگ عادلانه بر ضد رژیم صدام حسین و برای دفاع از میهن انقلابی شرکت کنیم